Word	Definition
mathematics /ˈmæt.ɪks/ noun	م ریاضیات
biology /baɪˈɑː.lə.dʒi/ noun	ست شناسی (دانش مربوط به بررسی ویژگیهای جانداران و نحوهٔ تعامل آنها با یکدیگر)
physics / fiz.iks/ noun	م فیزیک
chemistry /ˈkem.i.stri/ noun	م شیمی
biochemistry / baɪ.oʊˈkem.ɪ.stri/ noun	م زیست شیمی (دانش مطالعهٔ فرآیندهای فیزیکی و شیمیایی در داخل موجودات زنده)
geology /dʒiˈɑː.lə.dʒi/ noun	ین شناسی
astronomy /əˈstrɑː.nə.mi/ noun	م نجوم، ستاره شناسی
oceanography /ˌoʊ.ʃəˈnɑː.grə.fi/ noun	انوس شناسی
meteorology / mi:.tj.əˈrɑ:.lə.dʒi/ noun	م هواشناسی
seismology /saɪzˈmɑː.lə.dʒi/ noun	له شناسی
environmental science /ɪnˌvaɪr.ən 'men.tə al.saɪənts/ noun	م محیط زیست (دانش مطالعهٔ محیط زیست و یافتن راهحلهایی برای معضلات آن)
ecology /ɪˈkɑː.lə.dʒi/ noun	م شناسی (دانش بررسی برهم کنشهای میان جانداران و محیط زندگی آنها)
metrology /ˈmet.roʊ.lə.dʒi/ noun	م مقياسات، پيمانهها (مُطالعهٔ علمي اندازهگيريها)
electronics /ɪˌlekˈtrɑː.nɪks/ noun	۔ ترونیک
electronic engineering /ɪˌlekˈtrɑː.nɪk.ˌen.dʒɪˈnɪr.ɪŋ/ noun	نندسى الكترونيك
computer science /kəmˈpju:.t.ə.sarənts/ noun	م کامپیوتر
archaeology (US. archeology) / a:r.ki'a:.lə.dʒi/ noun	متان شناسی (شاخهای از علوم اجتماعی در مورد مطالعهٔ گذشته از طریقِ مدارکِ مادی)
psychology /saɪˈkɑː.lə.dʒi/ noun	نشناسى
linguistics /lɪŋˈgwɪs.tɪks/ noun	ن شناسی (مطالعه و بررسیِ روشمند زبان (مانند نحوهٔ ارتباط انسانها با یکدیگر و))
introduction to literature / ˌɪm.trəˈdʌk.ʃ ən.tu.ˈlɪt٫ə.ɪ.tʃə/ noun	دمهای بر ادبیات
history /ˈhɪs.t.ə.i/ noun	يخ
anthropology /ˌænt.θrəˈpɑː.lə.dʒi/ noun	مان شناسی (بخشی از علوم اجتماعی در خصوص توضیح ابعاد وجودی انسان)
economics /ˌiː.kəˈnɑː.mɪks/ noun	م اقتصاد
statistics /stəˈtɪs.tɪks/ noun	۾ آمار
accounting /əˈkaʊn.tˌɪŋ/ noun	سابداری، اصول حسابداری
philosophy /fiˈlɑː.sə.fi/ noun	سفه (دانش بررسي تفكر دربارهٔ مسائل بنيادين در جهان (مانند هستي، ذهن، ارزش و))
architecture /ˈɑːr.kɪ.tek.tʃə/ noun	مارى
sociology /ˌsoʊ.siˈɑː.lə.dʒi/ noun	معه شناسی (دانش بررسیِ جوامع بشری، برهم کنشها و فرآیندهای ثبات یا تغییر آنها)
ethics /'e0.1ks/ noun	ول اخلاق و رفتار
logic /ˈlɑː.dʒɪk/ noun	طق، شيوهٔ نگرش صحيح
aesthetics (US. esthetics) /es 'θet¸ıks/ noun	بایی شناسی، مبحث هنرهای زیبا (نقاشی، مجسمه سازی و موسیقی)
demography /drˈmɑː.grə.fi/ noun	ارنگاری
1.	ASTRONOMY
Word	Definition
astronomical /ˌæs.trəˈnɑː.mɪ.k əl/ adjective	ومی، وابسته به علم نجوم (بی شمار، عظیم)
astronomer /əˈstrɑː.nə.mə/ noun	تاره شناس، منجم
	زیک نجومی (شاخهای از ستاره شناسی با کاربرد اصول فیزیک و شیمی برای تعیین
astrophysics / æs.trouˈfiz.iks/ noun	هیت پیکرهای آسمانی، به جای موقعیت و حرکت آنها در فضا)

astrology /əˈstrɑ:.lə.dʒi/ noun	طالع بینی (پیش گویی آینده از طریق مشاهدهٔ حر کات خورشید، ماه، سیارات و ستار گان)
deviate / di:.vi.eɪt/ verb	منحرف شدن
cosmos (universe) /ka:z.mous/ noun	نظام عالم وجود، كيهان
cosmology /kaːzˈmaː.lə.dʒi/ noun	کیهان شناسی (مطالعهٔ سرآغاز، تکامل و سرانجام نهایی جهان)
infinite /'ɪn.fɪ.nət/ adjective	بي كران، لايتناهي، نامحدود
cosmic /ˈkɑːz.mɪk/ adjective	کیهانی، مربوط به عالم هستی
celestial /sɪˈles.tʃəl/ adjective	سماوي، الهي، آسماني
celestial body (heavenly body) /sɪˈles.tʃəl.ˈbɑː.di/ noun	صور فلکی، پیکرآسمانی (یک شیء طبیعی خارج از جو زمین (مانند ماه، خورشید، ستاره و))
celestial globe /sɪˈles.tʃəl.gloʊb/ noun	کرهٔ سماوی (کرهٔ فرضی در فضا که روی آن ستارگان و اجرام آسمانی نقش بستهاند)
terrestrial /təˈres.tri.əl/ adjective	زمینی، خاکی (دنیوی، مادی، جسمانی)
celestial navigation (astronavigation) /- næv.i gei. Jən/ noun	تعیین موقعیت و مسیر با مشاهدهٔ موقعیت ستارگان و یا اندازهگیری زاویهٔ بین یک پیکر آسمانی و خط افق قابل مشاهده (ستاره نوردی، فضانوردی)
stellar /ˈstel.ə/ adjective	ستارهای، پر ستاره (درخشان)
dwarf star /dwo:rf.sta:r/ noun	ستارهٔ کوتوله (فراوان ترین نوع ستاره از ستارگان معمولی در کهکشان)
nebula / neb.jv.lə/ noun (plural nebulae or nebulas)	سَحاب (ابر عظیمی از غبار، گاز و پلاسما در فضاهای میانستارهای)
nebular (nebulous) / neb.jv.lə/ adjective	سحابی، شبیه سحاب (تار، محو)
(N d	صورت فلکی، مجمع الکواکب (گردایهای از ستارهها که از دیدگاه زمینی به شکل ویژهای
constellation / ka:nt.stəˈleɪ.ʃən/ noun	مانندسازی و نام گذاری شدهاند)
	جهاننمای مسطح (نقشهای به صورت دو صفحهٔ قابل تنظیم بر روی یک محور مرکزی برای
planisphere /plæn.isfir/ noun	نمایش صور فلکیِ قابل رؤیت در هر زمان و تاریخ، و ابزاری جهت کمک به نحوهٔ تشخیص آنها)
ho colour (Miller Weet) /še 'collab si/ norm	کهکشان راه شیری (کهکشانی در منظومهٔ شمسی بهصورت نوار شیری رنگی در پهنهٔ آسمان
he galaxy (Milky Way) /ðə.ˈgæl.ək.si/ noun	که از میلیونها ستاره شامل منظومهٔ شمسی تشکیل شده است)
observable /əbˈzɜ:.və.bl/ adjective	آشکار، معلوم، قابل مشاهده
cluster /ˈklʌs.tə-/ noun	خوشه، دسته (گروهی از چیزهای مشابه یا افراد که با هم در ارتباط هستند)
solar /ˈsou.lə/ adjective	خورشیدی، وابسته به خورشید
	منظومهٔ شمسی (سامانهای دربر گیرندهٔ یک ستاره به نام خورشید و شماری از اجرام آسمانی
solar system /- sis.təm/ noun	دیگر که در مدارهایی مستقیم یا غیر مستقیم پیرامون آن میگردند)
solar corona /- kəˈroʊ.nə/ noun	هالهٔ خورشیدی (بیرونی ترین حلقهٔ نور (لایه) خورشید)
solar radiation /- ˌreɪ.diˈeɪ.∫ ³n/ noun	تابش خورشیدی
planet / plæn.ɪt/ noun	سیاره (یک جرم آسمانی که در حرکتی مداری به دور یک ستاره یا بقایای ستارهای می گردد)
planetoid (asteroid) / plæn.ə.təɪd/ noun	اجرام ستاره مانند، سیارهای شکل (ستارک)
revolve /rɪˈvɑːlv/ <i>verb</i>	گردیدن، دور زدن
twinkle /ˈtwɪŋ.kl/ verb	برق زدن یا تکان تکان خوردن، چشمک زدن
naked eye /ˈneɪ.kɪd.aɪ/ noun	چشم غیر مسلح
Mercury /ˈmɜː.kjʊ.ri/ noun	سیارهٔ عطارد یا تیر (نزدیک ترین سیاره نسبت به خورشید)
Venus /ˈviː.nəs/ noun	سيارهٔ زهره
Earth/3:0/ noun	سيارهٔ زمين
Mars /ma:rz/ noun	سيارهٔ مريخ
Jupiter /ˈdʒuː.pɪ.t.ə/ noun	سیارهٔ مشتری
Saturn / sæt, ən/ noun	سيارهٔ زحل
Uranus /ˈjor ən.əs/noun	سيارة اورانوس
Neptune / nep.tu:n/ noun	سيارهٔ نپتون
' Pluto /' plu:.toʊ/ noun	S7

orbit /ˈɔːr.bɪt/ noun	مدار، مسير دوران
spin /spin/ verb	چرخیدن (به دور خود)
satellite /ˈsæt_əl.aɪt/ noun	ماهواره، قمر مصنوعی
lunar /ˈluː.nə/ adjective	قمری، وابسته به ماه
meteoroid /ˈmiː.tji.ɔːrɔid/ noun	شهابواره (قطعههای صخره یا فلز سیارکها قبل از برخورد با جو زمین که در فضا شناورند)
meteor / mi:.tj.o:r/ noun	سیارک یا شهابوارهای که وارد جو زمین یا یک سیارهٔ دیگر میشود
meteor shower /- ∫aur/ noun	بارش شهابی
	شهاب سنگ (قطعهٔ جامدی از بقایای جاماندهٔ جرمهایی مانند شهابواره که توانسته پس از
meteorite /ˈmiː.tjə.raɪt /noun (meteoroid→meteor→meteorite)	گذر از جو و تحمل تأثیر آن، به سطح زمین یا یک سیارهٔ دیگر برخورد کند)
comet /ˈkɑːːmɪt/ noun	ستارهٔ دنبالهدار (یک گلولهٔ برفیِ کیهانی متشکل از گازهای منجمد، سنگ و گرد و غبار در
comet / kumii/ noun	نزدیکی خورشید بهصورت یک ابر بزرگ دنبالهدار)
space (outer space) /speis/ noun	فضا (فضای خارج از جو زمین)
spacecraft (spaceship) /- kræft/ noun	فضاپيما (سفينهٔ فضايي)
space capsule /- 'kæp.s °l/ noun	اتاق کوچک فضاپیما (کابین)
space lab /speis.læb/ noun	آزمایشگاه فضایی
spaceman (astronaut; cosmonaut) /- mæn/ noun	مسافر فضایی، فضانور د
space suit /- suːt/ noun	لباس فضانوردى
space shuttle /- 'ʃʌtˌl/ noun	وسیلهٔ حامل فضانوردها و گاهاً ماهواره یا تجهیزات دیگر به فضا
space telescope /- 'tel.ə.skoop/ noun	تلسکوپ فضایی، رصدخانهٔ فضایی (ابزاری معلق در فضا برای مشاهدهٔ اشیای نجومی از فضا)

2	$\alpha \mathbf{r} \alpha$		DITT
Z. 1	しードル	NTK A	PHY

Word	Definition
geographer /dʒiˈɑː.grə.fə/ noun	جغرافی دان (دانشمندی با محدودهٔ مطالعاتیِ جغرافیا، محیط طبیعی زمین و جامعهٔ انسانی)
hemisphere /ˈhem.ɪ.sfɪr/ noun	نیم کره
northern hemisphere /ˈnɔːr.ðə·n -/ adjective	نيم كرة شمالي
southern hemisphere /ˈsʌð.ən -/ adjective	نیم کرهٔ جنوبی
eastern hemisphere /ˈiː.stə·n -/ adjective	نیم کرهٔ شرقی
western hemisphere /ˈwes.tən -/ adjective	نيم كرة غربى
parallel / per.ə.lel/ noun	خط موازی، مدار (دایرههای فرضی به موازات خط استوا بر روی کرهٔ جغرافیا)
latitude /ˈlætၞɪ.tuːd/ noun	عرض جغرافیایی (مختصات مکانی یک نقطهٔ جغرافیایی براساس فاصلهاش از خط استوا)
temperate latitudes /ˈtem.pəət -/ adjective	عرضهای معتدل (عرضهای میانیِ بین مناطق گرمسیری و قطب جنوب)
longitude /ˈlɑːn.dʒə.tuːd/ noun	طول جغرافیایی (مختصات مکانی یک نقطهٔ جغرافیایی براساس فاصلهاش از نصفالنهار مبداء)
horizon /həˈraɪ.z ən/ noun	افق، خط افق (خط آشکار جدا کنندهٔ آسمان از زمین در همهٔ جهات)
equator /i'kwei.t.g-/ noun	ناحیهٔ استوایی، خط استوا (خط فرضی تقسیم کنندهٔ کرهٔ زمین به دو بخش شمالی و جنوبی)
tropic / 'tra:.pik/ noun	گرمسیری (نواحی گرمسیری بین دو مدار شمال و جنوب استوا)
Arctic /'a:rk.tık/ noun	قطب شمال، شمالی، مربوط به قطب شمال (سرد)
Antarctic (Antarctica) /ænˈtɑːrk.tɪk/ noun	قطب جنوب، مربوط به قطب جنوب (قارهای در اطراف قطب جنوب)
expedition / ek.spəˈdɪʃ. ən/ noun	سفر (معمولاً سفر بلند مدت برای پژوهش علمی)
zone /zoun/ noun	بخش، منطقه، ناحیه، حوزه
time zone /taɪm -/ noun	منطقهٔ زمانی، زمان پهنه (منطقهٔ جغرافیاییِ دارای زمان رسمی معین متناسب با زمان
	متوسط نصفالنهاری مرکز آن (هر یک از ۲۴ قاچ ۱۵ درجهای تقسیم بندی شدهٔ کرهٔ زمین))
topography /təˈpɑː.grə.fi/ noun	توپوگرافی، پستی و بلندیهای عوارض روی زمین
plain /pleɪn/ noun	جلگه، دشت (زمین نسبتاً هموار ناشی از آبرفت رودها که به دریا یا دریاچه دائمی ختم می شود)
lowland /'loʊ.lənd/ noun	زمین پست، پستی زمین

basin /'bei.s on/ noun	حوزهٔ رودخانه، آبگیر، برکه (بخشی از زمین با تجمع مقداری آب)
cavern (cave) / kæv.ən/ noun	غار، حفرهٔ زیرزمینی، گودال (مقعر)
terrain /təˈreɪn/ noun	عوارض زمین (همهٔ پستی و بلندیهای سطح زمین (مانند دشتها، درهها، تپهها و))
subterranean (underground) /sʌb.təˈreɪ.ni.ən/ adjective	زيرزمينى
coastland /koust.lænd/ noun	ساحل
island / ar.lənd/ noun	جزيره
continental island /ˌkɑːn.t¸°n'en.t¸°l -/ noun	جزیرهٔ قارهای (جزء جزایر واقع شده در فلاتِ قارهٔ یک قاره)
coral island /ˈkɔːr.əl -/ noun	جزیرهٔ مرجانی (جزیرهٔ متشکل از مواد تخریبی مرجانی با گسترش عمده در زیر سطح آب)
islet /aɪlət/ noun	جزیرهٔ کوچک، جای پرت و دور افتاده
peninsula /pəˈnɪnt.sə.lə/ noun	شبه جزیره، پیشرفتگی خاک در آب
peninsular /pəˈnɪnt.sə.lər/ adjective	شبه جزیرهای
continent /'ka:n.t, an.ənt/ noun	قاره
continental shelf /- ʃelf/ noun	فلاتِ قاره، ایوان خشکی (سطح شیبدار ملایم بستر آبهای کمعمق دریاها که از انباشت تودههای شن ساحل ایجاد شده و با شیبی ملایم به سوی اعماق اقیانوس ادامه مییابد)
ranges /reindʒz/ noun	رشته کوه
valley /ˈvæl.i/ noun	دره، جلگه
canyon /ˈkæn.jən/ noun	تنگه، درهٔ باریک و تنگ
channel (strait) / 't∫æn. °l/ noun	مجرا، راه (تنگه)
gulf /gʌlf/ noun	خلیج، گرداب
survey /ˈsɔ-:.veɪ/ noun	پیمایش، بر آورد، نقشه برداری، زمینهیابی
elevation /,el.i'vei.ʃ °n/ noun	بلندی، ارتفاع مربوط به اجسام ثابت در زمین (مانند ارتفاع از سطح دریا)
altitude /ˈæl.t.ə.tuːd/ noun	ارتفاع، فراز یا فاصله از سطح زمین (مانند ارتفاع پرواز هواپیما)
remote-sensing /rɪ'moʊt.sentsing/ noun	سنجش از راه دور
terrestrial /təˈres.tri.əl/ adjective	زمینی، خاکی
terrestrial heat (geothermal) /- hi:t/ noun	زمین گرمایی (وابسته به حرارت مرکزی زمین)
terrestrial magnetism (geomagnetism) /- 'mæg.nə.t.j.z °m/ noun	خاصیت مغناطیسی زمین (نیروی جاذبهٔ زمین)

3. GEOLOGY

Word	Definition
geologist /dʒiˈɑː.lə.dʒɪst/ noun	زمین شناس
geologic age (- time) / dʒi.əˈlɑ:.dʒi.k.eɪdʒ/ noun	دورهٔ زمین شناسی
geochronology /dʒi.ə.krəˈnɑː.lə.dʒi/ noun	باستان شناسی زمین (علم تعیین قدمت سنگها، سنگوارهها و رسوبات)، شرح وقایع
	تاریخی بر مبنای اطلاعات زمین شناسی
geoscience (earth science) /dʒi:.ov.saɪənts/ noun	علوم مربوط به زمین شناسی (علوم زمین)
crust /krast/ noun	پوستهٔ کره زمین
continental crust /ˈkɑːn.tə̥n.əntel -/ noun	پوستهٔ قارهای
oceanic crust /ˌoʊ.ʃiˈæn.ɪk -/ noun	پوستهٔ اقیانوسی
layer (stratum pl. strata) / lei.ə/ noun	لایه، ورقه، چینه (لایهٔ مشخصی از پوستهٔ زمین مانند لایهای از سنگهای رسوبی)
mantle / mæn.t J / noun	گوشتهٔ کره زمین، حد فاصل بین پوسته و هسته
core /kɔːr/ noun	هستهٔ کره زمین، درون
plate /pleɪt/ noun	ورقه یا صفحه
plate tectonics / pleit.tek 'ta:n.iks/ noun	نظریهٔ زمین ساخت صفحهای (یک تئوری که به بررسی حرکات وسیعمقیاس در ساختار
	پوستهٔ کره زمین (متشکل از چند صفحهٔ اصلی که در مواردی خود شامل تعداد صفحات
	کوچکتر میباشند) و پدیدههای مرتبط با برهم کنش میان صفحات متحرک میپردازد)

fault /fɑ:lt/ noun	نینه، گسله (شکستگیهایی با جابهجایی سنگهای طرفین صفحهٔ شکستگی نسبت به همدیگر)
disintegration (decomposition) / dis.in.tə grei. f an/ noun	جزیه (از هم گسیختگی لایهها یا صخرهها، ناشی از جریانهای جوی، سرمازدگی، انجماد و)
erosion /1'rou.ʒ ºn/ noun	حلیل، فرسایش (فرآیند جابهجایی ذرات خاک توسط یک عامل انتقال دهنده مانند آب یا باد)
fossil /ˈfɑː.s əl/ noun	سیل (سنگواره)
rock /raːk/ noun	ننگ، تخته سنگ یا صخره
sedimentary rock / sed.i men.t.æ.i -/ noun	نگ رسوبی
metamorphic rock / met ə mə:r.fik -/ noun	نگ دگر گونی (سنگ اولیهای که با تغییر شکل اصلی خود به شکل جدید در آمده است)
quartz /ˈkwɔːrts/ noun	وارتز، سنگ چینی، الماس کوهی
limestone /ˈlaɪm.stoun/ noun	نگ آهک (نوعی سنگ رسوبی با منشأ شیمیایی، بهطور عمده متشکل از کلسیم کربنات)
marble / ma:r.bl/ noun	نگ مرمر (از نمونه سنگهای دگرگونی، از دگرگونی سنگ آهک)
granite / græn.rt/ noun	رانیت (از گونه سنگهای آذرین بیرونی، حاصل از انجماد مواد مذاب در خارج از آتشفشان)
magma /ˈmæg.mə/ noun	میر مواد معدنی یا آلی (مواد مذاب بسیار گرم در زیر پوستهٔ زمین، تحت فشار شدید)
<pre>prospect / pra:.spekt/ verb</pre>	نتشاف، معدن کاوی کردن
soundings /ˈsaʊn.dɪŋz/ plural noun	ىنجشھايى مربوط به تعيين عمق آب (مانند عمق يک درياچه)
mine /maɪn/ noun	عدن، راه زیرزمینی
mineral /ˈmɪn. ³r. ³l/ noun	ادهٔ معدنی (کانی)
ore /ɔːr/ noun	ىنگ معدن، سنگ حاوى فلز و عناصر ارزشمند و مهم
deposit /dɪˈpɑː.zɪt/ noun	، نشست
platinum /ˈplæt.nəm/ noun	لاتین یا طلای سفید
copper /ˈkɑː.pə/ noun	ز مس
aluminum /əˈluː.mɪ.nəm/ noun	ز آلومينيوم
zinc /zɪŋk/ noun	ز روی
nickel /ˈmɪk.l/ noun	.کل
mercury (quicksilver) / m3:.kjv.ri/ noun	يماب، جيوه
gem /dʒem/ noun	وهر، جواهر، سنگ گرانبها
diamond / daɪə.mənd/ noun	ماس
emerald / em.ə.rəld/ noun	ىرد سېز
ruby /ˈruː.bi/ noun	قوت سرخ، لعل
lacier / gleɪ.si.ə/ noun	دهٔ یخ، رودخانه یخ، یخچال طبیعی
glacial / glei.si.əl/ adjective	<i>ف</i> بندان
glacial epoch (age, period) /- 'iː.pɑːk/ noun	ورهٔ یخبندان
glacial drift /- drift/ noun	نش يخبندان
iceberg /'ais.b3:g/ noun	بدهٔ یخ غلتان، کوه یا تودهٔ یخ شناور
ice sheet /'ais,ʃi:t/ noun	<i>ف</i> سار (انبوهای از یخ حاصل از یخچال طبیعی، پوشیده شده در یک ناحیه)
frigid (refrigerated; freezing) / frid3.id/ adjective	وای خیلی سرد (سرد و انجماد)
thaw (melt) /θα:/ verb	ب شدن (ذوب شدن)
retreat /rɪˈtriːt/ verb	ں نشینی (پس رفت جنگل، ساحل، صخرہ و)
terminate (end) /'tɜ-:.mɪ.neɪt/ verb	اتمه دادن
olcano /vɑːlˈkeɪ.noʊ/ noun	وه آتشفشان، آتشفشان
active volcano /ˈæk.tɪv -/ noun	شفشان فعال
extinct volcano /ɪkˈstɪŋkt -/ noun	شفشان خاموش
eruption /1'rap. f on/ noun	ران (انفجار)

wave (earthquake; seismic; shock) /weiv/ noun cataclysm /ˈkæt.ə.kli.z əm/ noun	انتون رترته (مکانی کارای بیسترین ابرری و محل آغاز شخستگی طفعه کس) موج، لرزه (تکان) تحولات ناگهانی و عمده، سیل بزرگ، طوفان
seismology /saɪzˈmɑː.lə.dʒi/ noun hypocenter (focus) / haɪ.poʊ.ˈsen.tə/ noun	زلزله شناسی کانون زلزله (مکانی دارای بیشترین انرژی و محل آغاز شکستگی صفحهٔ گسل)
earthquake (quake; tremor; seism) /'3:θ.kweik/ noun	زلزله (لرزه)
scoria /ˈskoʊ.rɪə/ noun volcanic /vɑːlˈkæn.ɪk/ noun	تفالهٔ معدنی، کف آتشفشانی، انفجاری
crater /'krei.t.o/ noun lava /'la:.və/ noun	دهانهٔ آتشفشان، یک حفرهٔ (گودی یا چاله) بزرگ در روی سطح زمین یا یک سیاره مانند ماه، در اثر انفجار یا برخورد شهاب سنگ یا دیگر اجسام آسمانی گدازه، مواد مذاب آتشفشانی

4. ECOLOGY		
Word	Definition	
ecological /ˌiː.kəˈlɑː.dʒɪ.k əl/ adjective	مربوط به بوم شناسی (در رابطه با ارتباط موجودات زنده با یکدیگر و محیط اطراف خود)	
ecologist /ıˈkɑː.lə.dʒɪst/ noun	بوم شناس	
ecosystem /ˈiː.koʊˌsɪs.təm/ noun	اکوسیستم (یک جامعهٔ زیستی از موجودات زندهٔ در تعامل و محیط فیزیکی آنها)	
balance (of nature) / bæl. ants/ noun	توازن (مربوط به طبیعت)	
ecosphere (biosphere) /i:.kou.sfir/ noun	زیست کره، بخش قابل زندگی کرهٔ زمین	
eco <mark>cide /ˈi</mark> ːkoʊ.sʌɪd/ <i>noun</i>	تخریب محیط طبیعی (بهویژه بهطور اتفاقی)	
preservation / prez.æ'vei.∫ °n/ noun	حراست، نگهداری، حفظ (منابع طبیعی)	
fauna /ˈfɑː.nə/ noun	مجموعه گونههای جانوری یک منطقهٔ جغرافیایی یا یک دورهٔ معین	
flora /ˈflɔːr.ə/ noun	مجموعه گونههای گیاهی یک منطقهٔ جغرافیایی	
rain forest / rem.fo:r.ist/ noun	جنگلهای انبوه مناطق گرمسیری و پر باران	
food chain /fuːd.tʃeɪn/ noun	زنجیرهٔ غذایی (حلقههای زنجیرهایِ وابستگی غذایی همهٔ موجودات زنده به یکدیگر)	
environment /mˈvaɪr.ən.mənt/ noun	محیط زیست، دور و بر	
environmental /m vair.ən men.t ol/ adjective	محیطی، مربوط به محیط زیست	
environmentalist /ɪnˌvaɪr.ən ˈmen.t¸ ol.ɪst/ noun	طرفدار حفظ منابع طبيعى	
acid rain /ˈæs.ɪd.reɪn/ noun	باران اسیدی (ترکیب گرد و غبار اسیدی شامل اکسید گوگرد و اکسیدهای نیتروژن حاصل از	
acid fain / æs.id.ien/ houn	سوزاندن سوختهای فسیلی با آب باران)	
greenhouse effect /ˈgriːn.haʊs.ɪˈfekt/ noun	اثر گلخانهای (تأثیر مستقیم گازهای گلخانهای موجود در جوِ یک سیاره روی سطح آن، بهعبار تی	
greeniouse errect / gri.ii.iidos.i ioku noun	گرم شدن بیش از حد پرتوهای موجود، با جذب تابش فروسرخ خورشیدی و دگرگونی آبوهوا)	
ozone layer (ozonosphere) /əʊˈzəʊn.ˈleɪ.ə/ noun	لایهٔ اوزون (لایهٔ در برگیرندهٔ کره زمین و عامل تبدیل پرتوهای فرابنفش به پرتوهای فروسرخ)	
ultraviolet radiation /ˌʌl.trəˈvaɪə.lət.ˌreɪ.diˈeɪ.ʃ ən/ noun	اشعهٔ فرابنفش (موجی در گسترهٔ امواج الکترومغناطیسی با طول موجی کوتاهتر از نور مرئی،	
and a value of the state of the	با کاربرد در ضدعفونی آب، تجهیزات پزشکی، لوازم صنعتی و)	
pollution /pəˈluː.∫ ³n/ noun	آلودگی	
pollution free /- fri:/ noun	بدون آلودگی	
pollutant /pəˈluː.t¸ ant/ noun	آلاینده، آلوده کننده	
noxious (toxic) / na:k.fəs/ adjective	مضر، مهلک (سمی)	
fumes /fju:mz/ noun	دود، ب خ ار، گاز	
waste /weist/ noun	دور ری <i>خ</i> تنی، اتلاف (زائد)	
waste heat /weist.hi:t/ noun	گرمای زائد (ناشی از ماشین یا هر فرآیند دیگر مصرف کنندهٔ انرژی)	
solid waste /ˈsaː.lɪd -/ noun	پسماند یا مواد زائد جامد	
sewage (waste water) / su:.idʒ/ noun	فاضلاب، پس آب	
domestic sewage /dəˈmes.tɪk.ˈsuː.ɪdʒ/ noun	فاضلاب خانگی	

sewage plant / 'su:.id3.plænt/ noun	فاضلاب تأسيسات
abate (reduce) /əˈbeɪt/ verb	فروکش کردن، کاستن
abound /əˈbaʊnd/ verb	وفور داشتن
air monitoring /er. 'ma:.nɪ.t.ə.ɪŋ/ noun	نظارت بر جریان هوا
alternative /ɑːlˈtɜ·ː.nə.tˌɪv/ adjective	متناوب (اسم: جایگزین)
atmosphere /ˈæt.mə.sfɪr/ noun	هوا، جو
carbon /ˈkɑːr ən/ noun	ذغال خالص، كربن
dioxide /darˈɑːk.saɪd/ noun	دی اکسید، دارای دو اکسید
coal /koʊl/ noun	زغال سنگ، زغال
coalification /koʊl.ɪfˈɪ.ˈkeɪ.∫ ³n/ noun	فرآیند تبدیل بقایای گیاهان به زغال سنگ
deforest / di: fo:r.ist/ verb	جنگل زدایی
desertification /dɪˌzɜ:.tˌə.fɪˈkeɪ.∫ ³n/ noun	بيابان زايى
deteriorate /dɪˈtɪr.i.ə.reɪt/ verb	بدتر شدن، رو به زوال گذاشتن
disposal /dɪˈspoʊ.z əl/ noun	دفع، از بین بردن، دور انداختن
drought /draot/ noun	فشكى، خشكسالى
solar energy /ˈsoʊ.lə.ˈen.ə.dʒi/ noun	نرژی خورشیدی
tidal energy /ˈtaɪ.d əl.ˈen.ə.dʒi/ noun	نرژی جزر و مدی (عامل تبدیل انرژی حاصل از جذر و مد به اشکال مفید توان، بهویژه برق)
fuel-efficient /fjvəl.ıˈfɪʃ. ant/ adjective	کم مصرف (اتومبیل، موتور و)
flood /flad/ noun	سیل، طوفان
fossil fuel /ˈfɑː.s əl.fjʊəl/ noun	سوخت فسيلى
garbage /ˈgɑːr.bɪdʒ/ noun	فضولات، أشغال خاكروبه، زباله
gas /gæs/ noun	گاز، بخار (بنزین)
global warming /ˈgloʊ.b əl.ˈwəːr.mɪŋ/ noun	ئرمايش زمين
global (warming) effect /ˈgloʊ.b əl.ɪˈfekt/ noun	ثر گرمایش جهانی (تغییرات زیست محیطی و اجتماعی که (بهطور مستقیم یا غیرمستقیم)
global (warming) effect / glob.b 1.1 lekt/ noun	توسط فعالیتهای انسانی و انتشار گازهای گلخانهای ایجاد میشود)
litter/trash garbage /ˈlɪt¸ə/træʃ -/ noun	زباله/ <i>خاک</i> روبه
long-term climatic change /ˌlɑːŋˈtɔːm.klaɪˈmætˌɪk.tʃeɪndʒ/ phrase	نغييرات اقليمي بلند مدت
melt /melt/ verb	ذوب شدن
noise pollution /nɔɪz.pəˈluː.∫ ʰn/ noun	لودگی صوتی
non-renewable /ˌnɑːn.rɪˈnuː.ə.bl/ adjective	غير قابل احياء
purify /ˈpjʊrɪ.faɪ/ verb	بالایش کردن، خالص سازی
recycle /ˌriːˈsaɪ.kl/verb	ازيافت
rush hour /ra∫.aur/ noun	ساعت شلوغی (زمان اوج ترافیک روزانه)
soil pollution /sɔɪl.pəˈluː.ʃ ºn/ noun	لودگی خاک
traffic jam / ˈtræf.ɪk.dʒæm / noun	اه بندان
trash bag /træʃ.bæg/ noun	كيسه زباله
upper atmosphere /ˈʌp.ə.ˈæt.mə.sfir/ noun	تمسفر بالا (مرز بين فضا و اتمسفر يا جو زمين)
water pollution /ˈwɑː.t̞ɔpəˈluː.∫ən/ noun	لودگی آب (عدم خلوص، ناپاکی)
water shortage /ˈwɑː.t.ʊ.ˈʃɔːr.t.j.dʒ/ noun	كمبود آب
wildness / warld.nes/ noun	طبیعی و دست نخورده
wilderness / wil.donos/ noun	یابان، سرزمین نامسکون و رام نشده
zero emission /ˈzɪr.oʊ.ɪˈmɪʃ. ən/ adjective	فاقد آلایندگی

5. BIOLOGY		
Word	Definition	
evolution / ev.ə ˈlu:.ʃ ən/ noun	فرضيهٔ سير تكامل، تكامل تدريجي، تحول	
Darwinism / dar.və_nizəm/ noun	پیرو اصول و مکتب داروین، فرضیهٔ تکامل تدریجی داروین	
specimen /ˈspes.ə.mɪn/ noun	مدل، نمونه آزمایش	
natural selection /ˈnætʃ.ə. əl.sɪˈlek.ʃ ən/ noun	فلسفهٔ انتخاب اصلح در طبیعت (فرآیند سازگاری، میل به بقاء و حیات طولانی تر)	
biological vacuum / baɪ.əˈlɑː.dʒɪ.k əl. væk.juːm/ noun	خلاء زیستی	
survival /səˈvaɪ.v əl/ noun	بقاء	
obstruct (block) /əbˈstrʌkt/ verb	مانع شدن، از رشد باز داشتن	
reverse /rɪˈvɜːs/ adjective	وارونگی (فرضیهٔ جهتگیری مخالفِ تکامل ساختارهای حیوانات از قالب اجدادی)	
algae /ˈæl.giː/ plural noun	جلبک، خزهٔ دریایی	
invertebrate /mˈvɜː.tˌə.brət/ noun	بىمهرە، فاقد ستون فقرات	
aquatic (life) /əˈkwæt¸ık/ adjective	وابسته به آب، آبزیان	
reptile /ˈrep.taɪl/ noun	خزنده، حیوان خزنده	
amphibian (amphibious animal) /æm' fib.i.ən/ adjective	دوزیستان (حیوان دوزیست)	
dinosaur /ˈdaɪ.nə.sɔːr/ noun	دایناسور (دستهای از سوسماران دورهٔ تریاسیک)	
bird /b3:d/ noun	پرنده، مرغ، جوجه	
extinction /ɪkˈstɪŋk.ʃ ən/ noun	انقراض	
mammal /ˈmæm. əl/ noun	پستاندار	
primate / prai.mət/ noun	راستهٔ پستانداران نخستین پایه، نخستیها (مانند میمون، بوزینه و)	
class /klæs/ noun	کلاس، طبقه، رده (یک مجموعه یا دستهای از چیزهایی دارای ویژگی خاص یا مشترک)	
	راسته، دسته، زیررده (چیدمان افراد یا چیزهایی در رابطه با یکدیگر، با توجه به یک دنباله،	
order /ˈɔːr.də/ noun	الگو یا روش خاص (مانند ردهٔ حیوانات بر پایهٔ مکان، شامل زیرردههای خزندگان بر پایهٔ	
	موقعیت، پرندگان بر پایهٔ مکان و))	
family /'from 21 i/ noun	خانواده، زیردسته (مانند دستهٔ پرندگان بر پایهٔ مکان، شامل زیردستههای پرندگان اقیانوسیه،	
family /ˈfæm.ºl.i/ noun	پرندگان قطب شمال، پرندگان مهاجر (نیم کرهٔ شرقی) و)	
genus /ˈdʒiː.nəs/ noun	سرده، قسم (مانند زیر دستههای پرندگان اقیانوسیه، شامل سردههای پرندگان اقیانوس آرام،	
genus / uʒiiiəs/ noun	پرندگان جزایر سلیمان و)	
species /ˈspiː.ʃiːz/ plural noun (class→order→family→genus→species)	گونهها، انواع (مانند زیر دستههای پرندگان جزایر سلیمان، شامل گونههای مینای دمدراز،	
species / sprjr.z/ piura/ noun (class=order=ranniy=genus=species)	طوطی کاکلی سلیمان، طاووسک و)	
suborder /səˈbɔːr.də/ noun	زير دسته	
camouflage /ˈkæm.ə.flɑːʒ/ noun	استتار، پوشش	
hibernate /ˈhaɪ.bəneɪt/ verb	به خواب زمستانی رفتن (مربوط به گیاهان و جانوران)	
lizard /ˈlɪz.əd/ noun	مارمولک، سوسمار	
chameleon /kəˈmiː.li.ən/ noun	حرباء، سوسمار کوچک، آفتاب پرست	
regeneration /rɪˌdʒen.ə ˈeɪ.∫ an/ noun	باززایی، احیاء، ترمیم یک بافت به صورت طبیعی	
turtle /ˈtɜ·tll/ noun	لاک پشت (کبوتر قمری)	
predator / pred.ə.t. <i>y</i> -/ noun	شکارچی، درنده	
rodent /ˈroʊ.d ant/ noun	جانورِ جونده (مانند موش)	
plankton / plæŋk.tən/ noun	موجودات ریز شناور بر سطح دریاها، اقیانوسها یا آب شیرین (مانند جلبکها)	
shrimp /frimp/ noun	میگو (ملخ)	
prawn /pra:n/ noun (UK)	میگو، جنس میگو	
lobster /ˈlɑːb.stə/ noun	(گوشت) خرچنگ دریایی	
	·	

crab /kræb/ noun	خرچنگ
clam /klæm/ noun	گوشت صدف، حلزون دو کپهای یا صدف خوراکی
coral /ˈkɔːr.əl/ noun	مرجان
canary /kəˈner.i/ noun	قناری (رنگ زرد روشن)
chirp /tʃ3:p/ verb	جیرجیر کردن، جیکجیک کردن
sloth (slothful) /slov θ / noun	نوعی حیوان پستاندار منطقهٔ استوایی آمریکا که به آرامی حرکت میکند (تنبل، سست)
moth /ma:θ/ noun	بیدها، گروهی از حشرات مرتبط با پروانه (مانند شاهپرک)، حشرات موذی
caterpillar /ˈkæt¸ə.pɪl.ə/ noun	کرم پیلهساز، کرم صدپا
swarm (horde) /swo:rm/ noun	دستهٔ زیاد، انبوهه (گروه زنبوران)
flock/fla:k/ noun	رمه، گله، دستهٔ پرندگان
herd /h3:d/ noun	گلهٔ چهارپایان (بهخصوص سمداران)
community (bunch) /kəˈmjuː.nə.t.j/ noun	دسته، اجتماع (خوشه)
trapper /ˈtræp.ə/ noun	شکارچی تله گذار
fertilizer /ˈfɜː.t¸əl.aɪ.zər / noun	آبستن كننده
oyster /ˈɔɪ.stə-/ noun	صدف خوراکی
tentacle /ˈtən.tə.kl/ noun	مو یا شاخک حساس جانور (مانند شاخک ماهی یا موی سبیل گربه)
homeotherm /ˈhəʊ.mi.oʊˌθɜːm/ noun	جانورخون گرم
metabolism /məˈtæb. əl.ı.z əm/ noun	سوخت و ساز (مجموعهای از تحولات شیمیایی در ترکیب موجود زنده برای حفظ حیات)
breed /briːd/ verb	بار آوردن، پروردن، تولیدکردن
multiply (reproduce; hatch) / mal.t.j.plai/ verb	زاد و ولدکردن (تکثیر کردن، جوجه گیری)
spawn /spa:n/ noun	تخم ماهی (بذر)
anatomy /əˈnæt¸ə.mi/ noun	ساختمان، استخوان بندى
appetite /ˈæp.ɪ.taɪt/ noun	اشتها، میل و رغبت ذاتی
inflection /m' flek.∫ °n/ noun	انحناء، خمیدگی (بهسوی درون)
creature /ˈkriː.tʃə/ noun	مخلوق، جانور
herbivorous /hə:ˈbɪv.ə.əs/ adjective	گیاه خواری
carnivorous /kɑːrˈnɪv.ə.əs/ adjective	گوشتخوار
omnivorous /aːmˈnɪv.əəs/ adjective	همه چیزخوار
insect / in.sekt/ noun	حشره
antenna /æn'ten.ə/ noun (plural antennae or antennas)	آنتن، شاخک
compound eye /ˈkɑːm.paʊnd.aɪ/ noun	چشم مرکب از چندین عدسی (مانند چشم حشرات)
wing /wiŋ/ noun	بال، شاخه
larva /ˈlɑːr.və/ noun (plural larvae)	لارو، کرم، کرم حشره
beneficial / ben.ı'fıʃ. °l/ adjective	سودمند، مفید
pest /pest/ noun	مایهٔ آزار و آسیب، آفت (موجودات زندهٔ مضر برای کشاورزی)
pesticide /'pes.t.p.said/ noun	آفت کش، مادهٔ ضد افت
worm /ws:m/ noun	کرم، خزنده
parasite / per.ə.saɪt/ noun	انگل (موجودات تغذیه کننده از موجوده زندهٔ دیگر، حداقل در بخشی از زندگی خود)
beast /bi:st/ noun	چهار پا، حیوان، جانور
domesticate /dəˈmes.tɪ.keɪt/ verb	اهلی کردن، رام کردن
predatory (carnivorous) / pred.ə.tɔ:r.i/ adjective	شکارگر، درنده (حیوان گوشتخوار)
prey /preɪ/ noun	شكار، صيد، طعمه
migrate /mai 'greit/ verb	مهاجرت کردن، کوچ کردن

bill /bɪl/ noun	نوک، منقار
beak /bi:k/ noun	منقار، پوزه، نوک
nest (nestle) /nest/ noun	لانه، أشيانه (أشيان گرفتن)
flock to habitat /fla:k.tu. hæb.1.tæt/ phrase	به صورت گله در آمدن در بوم
molt /molt/ verb	پوست اندازی، پر و یا موی ریختن
dolphin /'da:1.fin/ noun	دلفین، گراز دریایی
whale /weɪl/ noun	نهنگ، وال (عظیم الجثه)
bat /bæt/ noun	خفاش، شب پره
echolocation /ˈek.oʊloˈkeɪ.ʃ ən/ noun	پژواکیابی جانوران (مانند خفاش و وال)، جهتیابی از راه ارسال صدا و سنجش پژواک آن
anthropoid ape /ˈænt.θrə.pɔɪd.eɪp/ adjective	میمونهای شبه انسان و بدون دم
gorilla /gəˈrɪl.ə/ noun	گوریل، بزرگ ترین میمون شبیه انسان
chimpanzee / tʃim.pæn'zi:/ noun	شامپانزه، میمون آدموار
baboon /bəˈbuːn/ noun	یک نوع میمون یا عنتر دم کوتاه
primitive (men) / prim.i.t.jv/ adjective	بدوی، اولیه (انسان نخستین)
civilized (men) / sɪv.ɪ.laɪzd/ adjective	دارای تمدن (انسان متمدن)
diversity /dɪˈvɜː.sə.t j/ noun	تنوع، گوناگونی
gregarious (social) /grɪˈger.i.əs/ adjective	خوشه خوشه، گروهی، دستهای، گلهای
habitat /ˈhæb.ɪ.tæt/ noun	بوم، محل سکونت، منطقه زیست جانور یا گیاهی
reproduce / ˌriː.prəˈduːs/ verb	زاد و ولد کردن، تکثیر کردن، دوباره ساختن
offspring (young) /ˈɑːf.sprɪŋ/ noun	فرزند، زاده، مبدأ، منشا
ootany /ˈbɑː.təʰn.i/ noun	گیاه شناسی، کتاب گیاه شناسی، زندگی گیاهی یک ناحیه
botanist /ˈbɑː.t¸ən.ɪst/ noun	گیاه شناس
botanical (botanic) /bəˈtæn.ɪ.k əl/ adjective	وابسته به گیاه شناسی، ترکیب یا مشتقی از مواد گیاهی
plant /plænt/ noun	گیاه، نهال
alpine plant /ˈæl.paɪn -/ noun	گیاه آلپی (واقع در ارتفاع زیاد)
marsh plant /maːrʃ -/ noun	گیاه مردابی (جنگلی)
host plant /houst -/ noun	گیاه میزبان (انگل دار)
root /ru:t/ noun	ريشه
stem /stem/ noun	ساقه، ریشه
stalk /sta:k/ noun	ساقه (گیاهان علفی)
sprout (shoot) /spraut/ noun	جوانه، شاخه
flower /ˈflaʊ.ə-/ noun	گل، شكوفه
bud (blossom) /bʌd/ noun	جوانه، غنچه (شکوفه)
petal /'pet, °l/ noun	گلبر گ
fade (wilt) /feɪd/ verb	کمرنگ شدن، پژمردن، خشک شدن
flesh (pulp) /fleʃ/ noun	گوشت، گوشت یا مغز میوه (مغز ساقه)
stone /stoun/ noun	سنگ میوه (هسته)
core /kɔːr/ noun	مغز یا درون، هسته
kernel /ˈkɜ·:.n əl/ noun	مغز هسته، دانه (مانند آجيل)
peel (skin) /pi:l/ noun	پوست
shell /ʃel/ noun	پوست، صدف حلزون، كاسه يا لاك محافظ جانور (مانند كاسهٔ لاك پشت)
trunk /traηk/ noun	تنه، بدنه، کندهٔ درخت
branch /brænts/ noun	شاخه، رشته

bough /baʊ/ noun	تنهٔ درخت (ترکه)
twig /twig/ noun	ترکه، شاخهٔ کوچک
bark /ba:rk/ noun	پوست درخت، پارس سگ
jungle /ˈdʒʌŋ.gl/ <i>noun</i>	جنگل
lawn /lɑːn/ noun	علفزار، مرغزار
meadow / med.ou/ noun	چمنزار، علفزار، مرغزار
prairie /ˈprer.i/ noun	چمنزار، مرغزار
shrub (bush) /ʃrʌb/ noun	درختچه، گلبن، بوته
cluster /ˈklʌs.tə/ noun	خوشه، دسته، گروه
fern /fɜːn/ noun	سرخس (یک گیاه پهن برگ بدون گل، دارای یک سیستم عروقی برای انتقال آب و مواد مغذی)
herb /3:b/ noun	شاخ و برگ گیاهان، گیاه دارویی، علف، رستنی
herbal tea (tisane) /'h'3:.b °l.ti:/ noun	جوشاندهٔ گیاهی
photosynthesis /ˌfoʊ.toʊˈsɪnt.θə.sɪs/ noun	سنتز نوری (فرآیند تبدیل انرژی نور خورشید به انرژی ذخیره شده در مواد غذایی گیاهان)
symbiosis / sım.baı ou.sıs/ noun	همزیستی (تعامل دو موجود یا گروه مختلف با هم)
icrobiology / mar.krov.bar'a:.lə.dʒi/ noun	میکروب شناسی
bacterium /bækˈtɪr.i.əm/ noun (plural bacteria)	آلوده به میکرب
0. /	یک نوع مادهٔ آلی (گونهای از ماده و ترکیب شیمیاییِ (جامد-مایع-گاز) دارای کربن در
enzyme / en.zaim/ noun	مولکولهای خود)، در موجود زنده (عامل تقویت یا تضعیف یک فرآیند شیمیایی)
fermentation / fs:.men'tei.ʃ on/ noun	تخمير (تجزيهٔ شيميايي يک ماده (تبديل قند به اسيد يا الكل) توسط باكترىها، مخمرها و)
microbe /ˈmaɪ.kroʊb/ noun	میکروب (ریزاندامگانی شامل باکتریها، ویروسها، آغازیان و برخی قارچها)
toxin /ˈtɑːk.sɪn/ noun	ترکیب زهردار، داروی سمی
virus /ˈvaɪ.rəs/ noun	ویروس (عامل نقل و انتقال امراض)
amino acid /əˌmi:.noʊˈ.æs.ɪd/ noun	سيد آمينه (يک ترکيب آلي ساده، بهعنوان واحد تشکيل دهندهٔ پروتئين)
carbohydrate /ˌkɑːr.bəʊˈhaɪ.dreɪt/ noun	کربوهیدرات (نوعی از ترکیبات آلی (مانند قند و نشاسته) که در بدن ایجاد انرژی میکنند)
	دی اکسید کربن (گاز بی رنگ و بی بو حاصل از سوختن کربن و ترکیبات آلی، که توسط
carbon dioxide /ˈkɑːr.b ºn.daɪˈɑːk.saɪd/ noun	گیاهان در فرآیند فتوسنتز جذب میشود)
organism /ˈɔːr.g ən.ɪ.z əm/ noun	ندامگان، موجود زنده، ترکیب موجود زنده
oxidation / a:k.si.dei. f on/ noun	عمل ترکیب اکسیژن با جسم دیگری
	پروتئین (هر یک از کلاسهای ترکیبات آلی نیتروژنی بهعنوان اجزای سازندهٔ بافتهای بدن
protein / prov.ti:n/ noun	(مانند عضله، مو و))

Word	Definition
interrelationship /ˌɪn.t.ʊ̞-rɪˈleɪ.ʃ ən.ʃɪp/ noun	رابطة متقابل، روابط بين الملل
civilization / siv. əl.ai zei. ʃ ən/ noun	تمدن، انسانیت، فرهنگ
civilized /ˈsɪv.ɪ.laɪzd/ adjective	متمدن
brute-like /bruːt.laɪk/ adjective	حيوان صفت، بىرحم
community /kəˈmjuː.nə.t j/ noun	جامعه، اجتماع، انجمن
organization (association) /ˌɔːr.g ən.aıˈzeɪ.ʃ ən/ noun	سازمان، تشكيلات (انجمن)
institution / int.sti tu: f on/ noun	مؤسسه، نهاد
settlement / set_l_ment/ noun	توافق، زیست گاه
custom / 'kʌs.təm/ noun	رسم، سنت، عرف
indigenous /ɪnˈdɪdʒ.ɪ.nəs/ adjective	بومی (طبیعی، فطری)
administration /əd min.i strei. f on/ noun	مدیریت، حکومت، ادارهٔ کل (تقسیمات جزء وزارتخانهها در شهرها)

predecessor / pred.o.ses.o/ noun	سابق، قبلی (جد)
monarchy /ˈmɑː.nə·.ki/ noun	سلطنت مطلقه، رژیم سلطنتی
abhorrence /æbˈhɔːr. ^a nts/ noun	نفرت، بیزاری
empire /'em.paɪr/ noun	امپراطوری، فرمان روایی
federal system /' fed.o ol. 'sis.tom/ adjective	سیستم فدرال (ائتلافی، اتحادی)
presidential system / prez.i'den.t[ol. 'sis.təm/ adjective	سیستم ریاست جمهوری
r and a superior and	همایش یا کنگره (گونهای از گردهمآیی مجمعی از سران دولت، نمایندگان ممالک یا
Congress /ˈkɑːŋ.gres/ noun	دانشمندان در راستای بحث و گفتگو در مورد مسائل سیاسی، اقتصادی، علمی و)
House the senate /haus.ðəˈsen.ət/ noun	مجلس سنا (نوعی مجلس قانون گذاری متشکل از اشراف، اشخاص باتجربه و سالخورده)
House of Representatives /haus.a:v.,rep.ri'zen.t.j.t.j.v/ noun	مجلس نمایندگان
demography /dr'ma:.grə.fi/ noun	آمار نگاری
demographer /dɪˈmɑː.grə.fə/ noun	متخصص آمار نگاری
ethnic (racial) /'eθ.nɪk/ <i>adjective</i>	قومی (نژادی)
poll /poʊl/ noun	ر أي گيري، نظرسنجي، تعداد آراء اخذ شده (اغلب بهصورت جمع)، فهرست نامزدهاي انتخاباتي
pollster /ˈpoʊl.stə/ noun	ناظر انتخابات، متصدی اخذ رأی، تحلیل گر نظرسنجی
questionnaire / kwes.tʃəˈner/ noun	یر سشنامه
respondent /rɪˈspɑːn.d ²nt/ noun	یاسخ دهنده (در موقعیت متهم)، موافق
census /ˈsent.səs/ noun	سرشماری، آمار
etiquette /ˈet_,ı.kət/ noun	آداب معاشرت، رسوم
netiquette /ˈne.tɪ.ket/ noun	آداب معاشرت اینترنتی
protocol /'prov.t.ə.ka:1/ noun	موافقت مقدماتی، تشریفات، پیشنویس سند
courtesy /ˈkɜ·ː.tˌə.si/ noun	ادب و مهربانی، تواضع، مردمی
manners (conduct) / mæn.əs/ noun	رفتار، طریقه، تربیت
office manners / a:.fis -/ noun	رسوم اداری
solitude (isolation) /ˈsɑː.lə.tuːd/ noun	تنهایی، انفراد، خلوت (انزوا)
companion /kəmˈpæn.jən/ noun	همراه و همدم، همنشین
sociable /ˈsoʊ.ʃə.bl/ adjective	اجتماعي، جامعه پذير، دوستانه
ethics (morality) / e0.1ks/ noun	
observe (abide by) /əbˈzɜːv/ verb	مراعات کردن (فرمانبرداری)
violate (breach) / vaɪə.leɪt/ verb	نقض کردن، هتک حرمت کردن (نقض عهد)
wealth /welθ/ noun	ثروت، دارایی، سرمایه
affluent (rich; wealthy) /'æf.lu.ənt/ adjective	ثروتمند (دارا، توانگر)
poverty /ˈpɑː.və.t.j/ noun	تنگدستی، فقر، کمیابی
inequality / m.iˈkwɑː.lə.t.j/ noun	نابرابری (در جامعه شناسی شامل پنج دستهٔ آموزشی، جنسیتی، مشارکتی، نژادی و اجتماعی)
discontent / dis.kənˈtent/ noun	نارضایتی، شکایت
libel /ˈlaɪ.b ºl/ noun	تهمت، افترا، توهین
rebellion /rɪˈbel.i.ən/ noun	سرکشی، شورش، تمرد
conflict (clash) /ˈkɑːn.flɪkt/ noun	ستیزه، ناسازگاری (برخورد)
collide (crash) /kəˈlaɪd/ <i>verb</i>	بههم خوردن (درهم شکستن)
discord (disagreement) / dis.ko:rd/ noun	یا می _ا کوردان رخوردها شدهستی: نفاق، اختلاف نظر، ناساز گاری
harmony / ha:r.mə.ni/ noun	همسازی، هماهنگی، توازن
stability /stəˈbɪl.ə.ti/ noun	شبات، پایداری

7. TRAFFIC/COMMUNICATION	
Word	Definition
traffic congestion (jam) / 'træf.ɪk.kən'dʒes.tʃ ən/ noun	انسداد یا تراکم عبور و مرور، رامبندان، ترافیک
transport / træn.spo:rt/ noun	حمل و نقل، ترابری، وسیلهٔ نقلیه
transportation / træn.spæ 'tei.ʃ °n/ noun	ترابری، حمل و نقل
vehicle /ˈviː.ɪ.kl/ noun	وسيلهٔ نقليه، حامل
prototype / proo.t.g.taip/ noun	نمونهٔ اولیه، مدل پیش الگو
wagon (carriage) / wæg.ən/ noun	واگن، ارابه، بار کش (کالسکه)
vessel /'ves. ^a l/ noun	کشتی، مجرا
automobile (auto; car) / a:.tə.mov.bi:l/ noun	خودرو
van /væn/ noun	ون، کامیون سر بسته
motorcycle /ˈmoʊ.t.ə-ˌsaɪ.kl/noun	موتورسيكلت
bicycle (bike) / bai.si.kl/ noun	دوچرخه
gear /gɪr/ noun	دنده، چرخ دنده
engine /'en.dʒɪn/ noun	موتور (یک ماشین طراحی شده برای تبدیل یک نوع انرژی به انرژی مکانیکی)
cylinder /ˈsɪl.ɪn.də/ noun	سیلندر (فضایی استوانهای برای حرکت پیستون، مورد نیاز در هر موتور، پمپ و)
piston /'pɪs.t ^ə n/ noun	پیستون (بخش متحرک داخل سیلندر)
brake /breik/ noun	ترمز
exhaust /ɪgˈzɑːst/ noun	اگزوز، خروج (بخار)
emission (emit) /ɪˈmɪʃ. ²n/ noun	خروج یا دفع مایعات (انتشار گاز، دود، نور و)
fumes /fju:mz/ plural noun	دود، بخار، گاز
assemble /əˈsem.bl/ verb	سرهم سازی، مونتاژ
service (maintenance) /'s3:.vis/ noun	سرویس (تعمیر و نگهداری)
mechanic /məˈkæn.ɪk/ noun	مکانیک
garage /gəˈrɑːʒ/ noun	گاراژ (مکانی سرپوشیده یا دربسته برای پارک خودرو، موتورسیکلت و یا دیگر وسائط نقلیه)
license /ˈlaɪ.s ənts/ verb	مجوز، گواهینامه
parking /ˈpɑːr.kɪŋ/ noun	پارکینگ (فضای باز یا بسته جهت توقف خودرو با دسترسی بهطور خصوصی یا عمومی)
parking lot /'pa:r.kiŋ.la:t / noun	توقفگاه بیسقف (برای توقف وسائط نقلیه)
parking garage /ˈpɑːr.kɪŋ.lɑːt gəˈrɑːʒ/ noun	ساختمانِ مخصوص نگهداری موقت وسائط نقلیه
highway /'haɪ.weɪ/ noun	بزر گراه
ramp /ræmp/ noun	سطح شیبدار، دست انداز، پیچ (پلکان)
toll /toul/ noun	عوارض بزرگراه، ضایعه، تلفات
driveway /'draɪv.weɪ/ noun	جادهٔ اختصاصی (نوعی جادهٔ خصوصی برای دسترسی محلی به یک یا گروه کوچکی از سازهها)
interchange /ˌɪn.tə-ˈtʃeɪndʒ/ noun	نقطهٔ اتصال مسیرها (جهت کاهش بار ترافیکی با انتقال آن به مسیرهای جانبی)
lane /leɪn/ noun	مسیر، خط سیر (دریایی، هوایی و)
avenue (thoroughfare) / ˈæv.ə.nuː/ noun	خیابان، راه عبور (شاهراه)
boulevard /'bul.ə.vq:rd/ noun	خیابان پهنی که در اطراف آن درخت باشد، بولوارد
pedestrian /pəˈdes.tri.ən/ noun	عابر پیاده، پیاده رو
passerby / pæs.ə ˈbaɪ/ noun	عابر، رهگذر از یک مسیر (مخصوصاً بهطور اتفاقی)
passenger /ˈpæs. ən.dʒə/ noun	مسافر، عابر
crosswalk /ˈkrɑːs.wɑːk/ noun	خط عابر پیاده
sidewalk /ˈsaɪd.wɑːk/ noun	پیاده رو

subterranean (underground) / sAb.təˈreɪ.ni.ən/ adjective	زیر زمینی
overpass / ou.və.pæs/ noun	پل هوایی
railroad / reil.roud / noun	راه آهن
track /træk/ noun	مسیر، باریک راه، جاده مال رو (خاکی)
platform / plæt.fo:rm/ noun	سکوی انتظار مسافر
locomotive / ˌloʊ.kəˈmoʊ.tɹv/ noun	متحرک، نیروی محرکه، لوکوموتیو
railroad switch /ˈreɪl.roud.switʃ/ noun	یک نصب مکانیکی که امکان جابهجایی خطوط راه آهن جهت تغییر مسیر قطار را فراهم می کند
car /kɑːr/ noun	اتاق راه آهن، واگن، اتومبیل
commuter /kəˈmju:.tə/ noun	مسافر (بهخصوص در یک مسیر مشخص و بهطور منظم)
haul /hɑ:l/ noun	همهٔ ماهیهای صید شده در یک وهله، حمل و نقل (سفر اغلب دشوار)
freight /freit/ noun	بارِ (کشتی، هواپیما و)، باربری، کرایه
container /kənˈteɪ.nə-/ noun	اتاقک مخصوص حمل بار در کامیون، کشتی و
subway / sab.wei/ noun	راه زیر زمینی، مترو
waterway /'wa:.t.ə.wei/ noun	آبراه، مسیر آبی
raft /ræft/ noun	قايق مسطح الوارى
canoe /kəˈnuː/ noun	قایق باریک و بدون بادبان
cargo /ˈkɑːr.goʊ/ noun	محمولهٔ دریایی، بار
barge /ba:rdʒ/ noun	نایق باری، دوبه، کرجی
steamboat / sti:m.boot/ noun	قایق یا کشتی بخار
ocean liner /ˈoʊ.∫ ³n.ˈlaɪ.nə/ noun	کشتی مسافری (با امکانات زیاد و مخصوص سفرهای طولانی)
submarine / sab.məˈriːn/ noun	زیر دریایی
ferry (also ferry boat) / fer.i/ noun	کشتی مسافربری یا حمل بار (بهویژه در فاصلهٔ نسبتاً کوتاه و بهصورت منظم)
paddle /ˈpæd.l/ verb	پارو زدن، دست و پا زدن
row /rou/ noun	ردیف، راسته، قطار (فعل: پارو زدن، راندن)
steer /stir/ verb	راندن، هدایت کردن
bow (prow) /bav/ noun	عرشهٔ کشتی
stern /st3:n/ adjective	عقب کشتی
deck/dek/noun	عرشهٔ کشتی
on board (aboard) /a:n. 'bo:rd/ adverb, preposition	سوار بودن، روی یا داخل (کشتی، هواپیما یا وسیلهٔ نقلیه)
navigate /ˈnæv.ɪ.geɪt/ verb	کشتیرانی کردن، هدایت کردن (کشتی، هواپیما و)
log /lɑːg/ noun	سرعت سنج کشتی، گزارش سفرنامه (کشتی، هواپیما و)
irplane (aircraft) / er.pleɪn/ noun	هواپيما
airliner / er laɪ.nə/ noun	هواپیمای مسافربری
supersonic /ˌsuː.pə-ˈsɑː.nɪk/ adjective	سرعت مافوق صوت
jet /dʒet/ noun	جت، هواپیمای دارای موتور جت (دارای قدرت پیشرانش بالا)
runway /ˈrʌn.wei/ noun	باند فرودگاه
pilot /'paɪ.lət/ noun	خلبان هواپیما، رانندهٔ کشتی، چراغ راهنما
crew /kru:/ noun	خدمهٔ کشتی، کارکنان هواپیما و
helicopter /ˈhel.ɪˌkɑːp.tə-/ noun	هلی کوپتر
vertical /'və:.tə.k °l/ adjective	عمودی
rotor / rov.t ə/ noun	قسمت چرخان ماشین (بهخصوص جهت چرخش تیغههای هلی کوپتر)
hover /'ha:.və/ verb	شناور و معلق بودن
rescue /ˈres.kjuː/ noun	نجات، رهایی

inaccessible / in.ək'ses.i.bl/ adjective	خارج از دسترس
compass / 'kʌm.pəs/ noun	قطب نما (محدودهٔ خاصی از توانایی، فعالیت، علاقه و)
aeronautical /ˌer.əˈnɑː.tˌj.k əl/ adjective	مرتبط به دانش هوانوردی
aviation noun /ˌeɪ.vi'eɪ.∫ ³n/ noun	هواپیمایی، هوانوردی
communication /kəˌmju:.nɪˈkeɪ.ʃ ən/ noun	ارتباط، مكاتبه، مخابرات
telecommunications / tel.ɪ.kə mju:.nɪˈkeɪ.ʃənz/ noun	ارتباط از راه دور (مخابراتی)
gesture /ˈdʒes.tʃə/ noun	اشاره، حرکت
printing / prin.t.j.n/ noun	چاپ
postal /'pov.st ^ə l/ adjective	پستی، وابسته به پستخانه
postage /'pou.stidʒ/ noun	حمل بهوسیله پست، حق پستی، تمبر پستی
telegraph / tel.ə.gra:f/ noun	نلگراف، دستگاه تلگراف، دور نگار
code /koʊd/ noun	رمز
decode /diːˈkoʊd/ <i>verb</i>	رمزگشایی
transmitter /træns'mɪt¸ə/ noun	فرستنده، مخابره كننده
cable /'keɪ.bl / noun	کابلی، کابل، نوار فلزی
telephone (phone) / tel.ə.foun/ noun	تلفن (آوا، صوت)
telephone exchange /'tel.ə.foun.iks'tʃeindʒ/ noun	نلفنخانه
handset /'hænd.set/ noun	دستگاه فرستنده و گیرنده (شامل گوشی و دهانی)
dial / daɪ.əl/ verb	شماره گیری
operator / a:.pə.rei.t.ə/ noun	متصدی، گرداننده، اپراتور
phonograph /ˈfoʊ.noʊ.græf/ noun	صدا نگار، دستگاه ضبط صوت
digital /ˈdɪdʒ.ɪ.t¸əl/ adjective	دیجیتال، رقمی
videotape /'vid.i.ov.teip/ noun	نوار فیلمبرداری
telex /'tel.eks/ noun	تله تایپ، دور نویس تلفنی
fax /fæks/ noun	مدارک جابهجا شده از طریق خطوط تلفن بهصورت آنالوگ، فکس (دستگاه فکس)
radio /ˈreɪ.di.oʊ/ noun	راديو
portability / pɔ:r.təˈbɪl.ə.tj/ noun	قابلیت حمل و نقل یا ترابری
broadcasting /ˈbrɑːd.kæstɪŋ/ noun	پخش از رادیو و تلویزیون
frequency /ˈfriː.kwənt.si/ noun	فر کانس، بسامد، تناوب
entertainment /en.t.g-'tem.mont/ noun	سرگرمی
talk show /ta:k.∫oʊ/ noun	برنامهٔ رادیو تلویزیونی که بهصورت گفتگو از میهمان برنامه سوالهایی میشود و یا گروهی از شنوندگان، بینندهها و یا مخاطبین استودیو موضوعات مختلفی را مورد بحث قرار میدهند
walkie-talkie / wa:.kiˈta:.ki/ noun	دستگاه مخابره یا رادیوی ترانزیستوری کوچک
remote control /rɪˈmoʊt.kənˈtroʊl/ noun	کنترل از راه دور
studio /ˈstuː.di.oʊ/ noun	۔۔۔۔ اتاق کار، کارگاہ هنری، استودیو
soundproof /'saund.pru:f/ adjective	عايق صدا
control panel /kənˈtroʊl.ˈpæn. əl/ noun	تابلوی کنترل، صفحه کنترل
· · ·	درجه، مقیاس (وسیلهٔ سنجش باد تایر، فاصله بین ریل خط آهن و)، ضخامت ورق فلزی
gauge /geidʒ/ verb	ر یا قطر سیم و یا قطر سیم و
television / tel.i.viʒ.ən/ noun	رح ۱۳۰۰ تلویزیون، دور نشان
live /liv/ adjective	ریدون کرد کی از پیش ضبط نشده)
relay /ˈriː.leɪ/ noun	ر .
antenna /ænˈten.ə/ noun	انتن، شاخک، موج گیر (در بی سیم)

confines (boundary) / ka:n.fainz/ plural noun	محدوده (مرز)
linger /ˈlɪŋ.gə/ verb	درنگ کردن، دیر رفتن
8. P	SYCHOLOGY
Word	Definition
applied psychology /əˈplaɪd.saɪˈkɑː.lə.dʒi/ noun	روان شناسی کاربردی (استفاده از روش های روان شناختی برای حل مشکلات عملی در رفتار و تجربهٔ انسان یا حیوان، شامل نوع بالینی، مشاوره، تکاملی، عصبی، بهداشت حرفهای، قانونی و)
psychology /saɪˈkɑː.lə.dʒi/ adjective	روان شناسی (مطالعهٔ علمی ذهن و عملکرد آن، بهویژه نوع تأثیر گذار بر یک زمینهٔ رفتاری خاص)
psychologist /saɪˈkɑː.lə.dʒɪst/ noun	روانشناس
psychiatry /saɪˈkaɪə.tri/ noun	روان پزشکی (مطالعه و درمان ناخوشیهای روحی و اختلالات عاطفی)
psychiatrist /saɪˈkaɪə.trɪst/ noun	روان پزشک
	آزمون روانشناختی (اندازگیریِ هدفمند از یک نمونه رفتار (عملکرد فردی شخص در وظایف
psychological test / saɪ.kəˈlɑː.dʒɪ.k əl. tes.tɪŋ/ noun	از پیش تعیین شده))
conformity /kənˈfɔːr.mə.t.j/ noun	انطباق، پیروی از رسوم یا عقاید، همنوایی
majority /məˈdʒɑː.rə.t j/ noun	سن قانونی (اکثریت)
mental /ˈmen.t¸ əl/ adjective	ذهنی، روحی، روانی
minority /maɪˈnɑːr.ə.t.j/ <i>noun</i>	عدم بلوغ (اقلیت)
physical /ˈfɪz.ɪ.k əl/ adjective	فیزیکی، جسمانی، مادی
spiritual /ˈspɪr.ɪ.tju.əl/ adjective	روحانی، معنوی، غیر مادی
subject /ˈsʌb.dʒekt/ noun	فرد (شخص یا موضوع مورد بحث و بررسی)
behavior /bɪˈheɪ.vjə/ noun	رفتار، اخلاق، طرز رفتار
behavioral pattern /bɪˈheɪ.vjə.əl.ˈpæt¸ən/ noun	خصوصیات رفتاری، الگوی رفتاری
element (factor) / el.i.mənt/ noun	مقدار اندکی از یک حس (مانند صداقت، حسادت، حیرت و)
cause /kɑːz/ noun	نهضت، جنبش، اصول ارزشمند اجتماعي
aspect /ˈæs.pekt/ noun	نمود، منظر، جنبه
motive /ˈmoʊ.t.jv/ noun	نگیزه، محرک، موجب
modify /ˈmɑː.dɪ.faɪ/ verb	تغییر یا اصلاح اندک در طرز فکر یا خصوصیات اخلاقی
modification / ma:.di.fi'kei.ʃ °n/ noun	تغيير يا اصلاح
overt (extroverted) /ou'v3:t/ adjective	ٔشکار (برون گرا)
covert /'kou.v3:t/ adjective	نهان، پوشیده
cognitive /ˈkɑːg.nɪ.tˌɪv/ adjective	مربوط به موارد شناختی یا ادراکی
empirical /Im'pIr.I.k ^a l/ adjective	نجربی، غیرعلمی

subconscious / sʌbˈkɑːn.∫əs/ noun	نیمهٔ هشیار (حاوی همهٔ اطلاعاتی که در لحظه در ذهن حضور ندارند، اما امکان جابهجایی آنها به قسمت ذهن وجود دارد)
instinct /'ın.stıŋkt/ noun	غريزه
abnormal /æbˈnɔːr.məl/ adjective	غیر عادی، ناهنجار
abnormal psychology (psychopathology) /- saɪˈkɑː.lə.dʒi/ noun	علم آسیب شناسی روانی (شاخهای از روانشناسی که به بررسی الگوهای رفتاری، احساسات و اندیشههای غیرمعمول که میتوانند بهعنوان یک اختلال روانی در نظر گرفته شوند میپردازد)
irrational /ıˈræ∫. ³n. ³l/ adjective	نامعقول، غير منطقى
neurosis /nor'oo.sis/ noun (plural neuroses)	اختلال روانی (طبقهای از اختلالات روانشناختیِ عملکردی همراه با پریشانیِ مزمن، ترس، رفتارهای غیر معمول و نوعی وسواس به تکرار اقدامات غیرضروری)
neurotic /nor'a:.tjk/ noun	دچار اختلال عصبی، عصبی
psychosis /saɪˈkoʊ.sɪs/ noun (plural psychoses)	بیماریِ روانی، جنون، روانپریشی (وضعیت غیر طبیعی ذهن با علائمِ از دست دادن ارتباط با واقعیت، توهم و هذیان، قبل از بروز اختلال در عملکرد شخص (اختلال روانی))
insane (mad; lunatic) /ɪnˈseɪn/ adjective	ديوانه، مجنون، بيعقل، احمقانه
hysteria /hɪˈstɪr.i.ə/ noun	تشنج، غش یا بیهوشی، هیجان زیاد، حملهٔ عصبی
mania / meɪ.ni.ə/ noun	شیدایی، علاقهمندی غیرعقلانی، هیجان بیدلیل و زیاد

A DINCIOLOGY		
	9. PHYSIOLOGY Definition	
Word		
physiologist / fiz.i a:.lə.dʒɪst/ noun	فیزیولوژیست (دانشمند در زمینهٔ بررسی نحوهٔ عملکرد اندامهای مختلف بدن)	
anatomy /əˈnætˌə.mi/ noun	ساختمان، استخوان بندی، مبحث تشریح، کالبد شناسی	
scalpel /ˈskæl.p əl/ noun	چاقوی کالبد شکافی، چاقوی کوچک جراحی	
cell /sel/ noun	سلول (کوچکترین واحد ساختاری و عملکردیِ اندام یک موجود زنده)	
tissue /ˈtɪʃ.uː/ noun	بافت (مجموعهای از سلولهای مشابه که با یکدیگر کار مشخصی را انجام میدهند)	
organ /ˈɔːr.gən/ noun	عضو، اندام	
system / sis.təm/ noun	دستگاه، سیستم	
organ system /ˈɔːr.gən -/ noun	دستگاه زیستی (مانند دستگاه عصبی، تولید مثل و)	
digestive system /dai'dʒes.tiv -/ noun	دستگاه گوارش	
intake /'ɪn.teɪk/ noun	مکیدن، تنفس، مصرف (مقدار واحد جذب شده از یک مادهٔ غذایی یا هر مادهٔ دیگری)	
ingest /m'dʒest/ verb	قورت دادن، به شکم فرو بردن	
saliva /səˈlaɪ.və/ noun	بزاق، آب دهان	
intestine (bowel) /mˈtes.tɪn/ noun	روده (شکم)	
abdomen / æb.də.mən/ noun	شكم، بطن	
anus /ˈeɪ.nəs/ noun	مقعد	
excrete /ɪkˈskriːt/ verb	دفع کردن	
skeletal system /ˈskel.ɪ.t əl -/ adjective	دستگاه اسکلتی	
skeleton /ˈskel.ɪ.tən/ noun	اسكلت، استخوان بندى	
skull /skal/ noun	جمجمه	
rib /rɪb/ noun	دنده (جفت استخوان در طرفین قفسه سینه که از ستون مهرهها آغاز میشوند)، گوشت دنده	
spine /spain/ noun	ستون فقرات	
muscular system /ˈmʌs.kjʊ.lə -/ adjective	دستگاه عضلانی	
muscle / mas.l/ noun	ماهیچه، عضله، نیروی عضلانی	
muscle fiber /ˈmʌs.l.ˈfaɪ.bə/ noun	بافت ماهیچه	
contract /kənˈtrækt/ verb	منقبض كردن	
cramp (spasm) /kræmp/ noun	گرفتگی عضلات، انقباض ماهیچه	
respiratory system / res.pa.a.ta:r.i -/ noun	دستگاه تنفسی	
syndrome /ˈsɪn.droum/ noun	علائم مشخصهٔ مرض (بدنی و ذهنی)	
•		

lung /lʌŋ/ noun	ریه، جگر سفید (شش)
exhale /eks'heil/ verb	بيرون دادن، دم برآوردن
inhale /ɪnˈheɪl/ verb	تنفس کردن، در ریه فرو بردن
pulmonary / pul.mə.ner.i/ adjective	ریوی، وابسته به ریه
circulatory system /ˈsəː.kjʊ.leɪ.tɔːr.i -/ noun	سیستم گردش خون
cardiology /ˌkɑːr.diˈɑː.lə.gi/ noun	قلب و عروق، دانش قلب شناسی
arteriosclerosis /ˈɑːr.tə̞.iə.skləˈroʊ.sɪs/ noun	تصلب یا سخت شدن شرایین (شاهرگ یا سرخرگ)
vessel (blood) /' ves. əl/ noun	مجرا، رگ خونی
artery /ˈɑːr.t.ə̞.i/ noun	شریان، شاهرگ (سرخرگهایی که خون را از قلب به سایر اندامها منتقل می کنند)
vein /vein/ noun	ورید، سیاهرگ (رگی که خون را از اندامها به قلب باز می گرداند)
capillary /kəˈpɪl.əi/ noun	مویرگ (رگهای خونی بسیار ظریفی که شریانچهها به آنها میرسند)
plasma /ˈplæz.mə/ noun	پلاسما (قسمت آبکی خون)
liver /ˈlɪv.ə/ noun	کبد، جگر سیاه، مرض کبد
metabolism /məˈtæb. əl.ı.z əm/ noun	سوخت و ساز (مجموعهای از تحولات شیمیایی در ترکیب موجود زنده برای حفظ حیات)
urinary system /ˈjor.ɪ.ner.i -/ noun	سیستم ادراری
urinary bladder /ˈjʊr.ɪ.ner.i.ˈblæd.ə/ noun	مثانه
kidney /ˈkɪd.ni/ noun	کلیه
reproductive system / ri:.prəˈdʌk.tɪv -/ noun	دستگاه تولید مثل (تناسلی)
reproduction / ri:.prəˈdʌk.ʃ ən/ noun	تكثير، توليد مثل
fertilize /ˈfɜː.t̪ ºl.aɪz/ verb	بارور کردن
	کروموزوم (یک ساختار نخاعی، موجود در هستهٔ بیشتر سلولهای زنده و حامل اطلاعات
chromosome /ˈkroʊ.mə.soʊm/ noun	ژنتیکی در قالب ژن)
pregnant /'preg.nənt/ adjective	باردار
gene /dʒiːn/ noun	ژن (عامل موجود در کروموزوم و ناقل صفات ارثی)
genetically /dʒəˈnet¸ı.kli/ adverb	بهطور تکوینی، وابسته به پیدایش یا اصل هر چیز، مربوط به وراثت
	مرحلهٔ بدوی، رویان (در انسانها، یاختهٔ تشکیل شده در نخستین مرحلهٔ رشد، از لحظهٔ لِقاح
embryo /ˈem.bri.oʊ/ noun	تا پایان هفتهٔ هشتم (قبل از تشکیل جنین))
fetus /ˈfiː.təs/ noun	جنين (در انسانها، ياختهٔ رشد كننده بعد از پايان هفتهٔ هشتم از لحظهٔ لِقاح)
insemination /ɪnˌsem.ɪˈneɪ.∫ an/ noun	تلقيح، آبستن كردن
endocrine system / en.də.kraın -/ noun	سیستم غدد درون ریز (ترشح کنندهٔ مستقیم هورمونها و دیگر فرآوردهها به خون)
-1 1 / 1 1/	غده یا تخمک (اجتماعی از سلولهای ترشح یا تراوش کننده شامل نوع برونریز (غدد بزاقی،
gland /glænd/ noun	غدهٔ عرقی، غدهٔ چربی و …) و نوع درونریز (غدهٔ تیروئید))
homeon (the manner (هورمون (مادهای شیمیایی شامل پروتئین که در غدد درونریز ساخته شده و به داخل
hormone /'hɔːr.moʊn/ noun	جریان خون میریزد که اعمال سلول خاص را تغییر میدهد)
secrete /sɪˈkriːt/ <i>verb</i>	ترشح کردن، تراوش کردن
exocrine gland /'eksəˌkrin.glænd/ noun	غدد برون ریز (ترشح کنندهٔ آنزیم های خود به بیرون از بدن یا بیرون از رگِ خونی)
nervous system /ˈnɜː.vəs -/ adjective	دستگاه عصبی
central nervous system / sen.trəl -/ noun	دستگاه عصبی مرکزی
	رشتهٔ مغزی و ستون فقراتی (یاختهٔ عصبی از نوع انگیزشپذیر، مسئول انتقال پیامها از مغز
neuron /'nor.a:n/ noun	به سمت عضلات و غدد)
reflex / ri:.fleks/ noun	عكسالعمل غير ارادى، واكنش
	عصب شناسی، علوم اعصاب (دانش مطالعهٔ ساختار، کارکرد و بیماریهای دستگاه عصبی
neuroscience (neurobiology) /nur'ousaiənts/ noun	جانداران)

10. FOOD		
Word	Definition	
food chain /fu:d.tʃeɪn/ noun	زنجیرهٔ غذایی (حلقههای زنجیرهایِ وابستگی غذایی همهٔ موجودات زنده به یکدیگر)	
edible / ed.1.bl/ adjective	خوراکی، چیز خوردنی	
inedible /1'ned.1.bl/ adjective	غیر خوراکی	
diet /'dar.ət/ noun	پرهیز، رژیم غذایی	
dietary / dar.ə.ter.i/ adjective	مربوط به رژیم غذایی	
vegetarian / ved3.1 ter.i.ən/ noun	گیاهخوار، گیاهخواری	
cereal (grain) / sɪr.i.əl/ noun	غلات (دانه)	
flour /flavə/ noun	اَرد	
bread /bred/ noun	نان	
pastry / pei.stri/ noun	شیرینی، شیرینی پذیری	
pistachio (nut) /pɪˈstæ∫.i.oʊ/ noun	پسته، در <i>خت</i> پسته	
yeast (leaven; ferment) /ji:st/ noun	خمیر مایه، خمیر ترش	
fruit /fru:t/ noun	ميوه، ثمر	
salad /ˈsæl.əd/ noun	سالاد	
meat /miːt/ noun	گوشت حیوان (بهویژه چهارپایان)، غذای اصلی (ناهار، شام)	
dark meat /ˈdɑːrk-/ noun	گوشت تیره، گوشت ماهیچههای پرکار پرندگان (مانند ران مرغ و سینهٔ اردک)	
beef /bi:f/ noun	گوشت گاو	
steak (beef) /steɪk/ noun	باریکهٔ گوشت کبابی، استیک	
groundbeef (hamburger) /graund -/ noun	گوشت چرخ کرده (همبرگر)	
pork /pɔːrk/ noun	گوشت خوک	
mutton /'mʌt¸ ən/ noun	وشت گوسفند، گوسفند	
dairy / der.i/ noun	بنیات، شیر بندی	
butter /'bʌt¸ə/ noun	کره، روغن	
cheese /tʃiːz/ noun	پنیر	
cream /kriːm/ noun	سرشير، خامه	
ice cream /ˈaɪsˌ.kriːm/ noun	بستنى	
yogurt /'jov.gət/ noun	ماست	
nutrient /'nu:.tri. ant/ noun	مادهٔ مغذی	
carbohydrate (starch) / ka:r.bəo'hai.dreit/ noun	کربوهیدرات (نوعی از ترکیبات آلی (مانند قند و نشاسته) که در بدن ایجاد انرژی میکنند)	
fat /fæt/ adjective	چرب، چربی، روغن حیوانی، پیه	
fat-free / fæt fri:/ adjective	مادهٔ غذایی بدون چربی (گیاهی و یا حیوانی)	
the least fattening of course /ðə.li:st.ˈfæt¸ ən.ɪŋ.ɑ:v.kə:rs/	کم ترین میزان چاق کنندگی حاصل از مصرف وعدهٔ غذایی	
	پروتئین (هر یک از کلاسهای ترکیبات آلی نیتروژنی بهعنوان اجزای سازندهٔ بافتهای بدن	
protein / prov.ti:n/ noun	(مانند عضله، مو و))	
vitamin /'vaɪ.tə.mɪn/ noun	ویتامین (ترکیبات آلیِ مورد نیاز در رژیم غذایی برای سوخت و ساز مواد غذایی، رشد طبیعی و)	
calorie /ˈkæl.ə.i/ noun	کالری (واحد سنجش مقدار انرژی حاصل از مواد غذایی)	
nourishing (nutritious) / n3:.1.ʃɪŋ/ adjective	مغذی، مقوی	
nutrition /nuːˈtrɪʃ. ən/ noun	تغذیه، خوراک، قوتگیری	
process / pra:.ses/ noun	فرآیند، روند	
raw /ra:/ adjective	خام، نپخته	

preserve /priˈzɜːv/ noun	مربا، کنسرو میوه	
additive /ˈæd.ə.tˌɪv/ noun	افزودنى	
packaging /ˈpæk.ɪ.dʒɪŋ/ noun	بسته بندی	
restaurant /'res.tə.rɑ:nt/ noun	رستوران، کافه	
fast-food restaurant (snack bar) / fæst fu:d res.tə.ra:nt/ noun	رستوران فست فود (خوراک مختصر و سریع)	
coffee shop /ˈkɑː.fi.ʃɑːp/ noun	قهوه خانه، رستوران	
cafeteria /ˌkæf.əˈtɪr.iə/ noun	رستوران سلف سرويس	
menu / men.ju:/ noun	منو، فهرست خوراک، صورت غذا	
bar /baːr/ noun	مشروب فروشی، مکانی جهت صرف نوشیدنی بهصورت ایستاده	
beverage /'bev.&.idʒ/ noun	مشروب، آشامیدنی	
wine /waɪn/ noun	شراب	
alcoholic /ˌæl.kəˈhɑː.lɪk/ adjective	الكلى، داراى الكل	
meal /mɪəl/ noun	خوراكي، وعدة غذايي (وعدة اصلي)	
oatmeal /'oot.mi:l/ noun	بلغور یا آرد جوی دو سر	
buffet /bəˈfeɪ/ noun	بوفه، رستوران، كافه	
egg /eg/ noun	تخم مرغ، تخم	
fried egg (sunny-side up; over) /fraid -/ noun	تخم مرغ سرخ شده (نيمرو)	
course /kɔːrs/ noun	عدة غذا	
dessert /dɪˈzɜːt/ noun	دسر	
refreshment /rɪˈfreʃ.mənt/ noun	میان وعده یا نوشیدنی سبک (بهویژه در یک مراسم یا رویداد عمومی)	
banquet /ˈbæŋ.kwɪt/ noun	مهمانی، ضیافت	
cuisine /kwɪˈziːn/ noun	خوراک، دست پخت، روش آشپزی	
recipe /ˈres.ɪ.pi/ noun	دستورالعمل، دستور آشپزی	
spice (seasoning) /spais/ noun	ادویه، چاشنی غذا	
spread /spred/ verb	پخش کردن، گستردن (اسم: خوراکی نرم (مانند پنیر، کرم شکلات و)، وعده غذایی مفصل)	
bake /beik/ verb	پختن، طبخ کردن	
roast /roust/ verb	کباب کردن، بریان کردن، سرخ کردن	
barbecue /ˈbɑːr.bɪ.kjuː/ noun	بریانی، کباب	
broil (grill) /broil/ verb	کباب کردن، سرخ کردن (روی آتش)	
toast /toust/ noun	نان تست، نان برشته	
stew (simmer) /stu:/ noun	خورشت، تاس کباب (نیم جوشان)	
gourmet /'gor.mei/ adjective	لذيذ، تهيهٔ غذاى لذيذ (اسم: خوراک شناس)	
connoisseur / ˌkɑː.nəˈsəː/ noun	خبره، خبره در چشیدن طعم غذا	

WordDefinitioncharacter /'ker.ik.tə/ nounشخصیت، منش، سیرتcharacteristic (trait) /ˌker.ik.təˈrɪs.tɪk/ adjectiveمشخصه، ویژگیدرون گرایی، خویشتن گرای (انسانهای خجالتی، متواضع و بعطور معمول خود محور که انرژی خود را از درون خود دریافت می کنند (ایدهها و مفاهیم را از ذهن))و بعطور معمول خود محور که برون گرایی (انسان علاقهمند به همراهی با مردم، شخصی که تمام عقاید و افکارش متوجه بیرون از خودش است)extrovert /'ek.strə.vɔ-:t/ nounبیرون از خودش است)innate (born) /ɪ'neɪt/ adjectiveفاتی، فطریsanguine (optimistic) /'sæŋ.gwɪn/ adjectiveخوش مشرب، امیدوار و مثبت اندیش (خوشبین)

cheerful (joyful; joyous) / tʃir.f əl/ adjective	بشاش، خوش روی
ardent (fervent; passionate) / a:r.d ant/ adjective	مشتاق (پرشور و شعف)
enthusiastic (warmhearted; zealous) /ɪnˌθuː.ziˈæs.tɪk/ adjective	مشتاق، علاقهمند (مهربان، هواخواه)
sociable (social) / sov.ʃə.bl/ adjective	اجتماعی، خوش مشرب
courteous /ˈkəː.tj.əs/ adjective	مؤدب، فروتن
cordial (hearty; genial) /ˈkɔːr.dʒəl/ adjective	صمیمی، خون گرم، خوشرو
sincere (earnest; genuine) /sɪn'sɪr/ adjective	مخلص، صادق، صمیمی (دل گرم، حقیقی)
candid (frank; straightforward) / kæn.dɪd/ adjective	بی پرده، منصفانه، صاف و ساده (صریح، صادق)
trustworthy (reliable; dependable) / trast w3:.ði/ adjective	قابل اعتماد، قابل اطمينان
ingenuous /ɪnˈdʒen.ju.əs/ adjective	صاف و ساده، بی تزویر، رکگو، اصیل
hospitable /ha: 'spit.p.bl/ adjective	مهمان نواز، غریب نواز، مهمان نوازانه
charitable (bountiful; generous) / tʃer.i.t.ə.bl/ adjective	دستگیر، سخی، بخشنده، (موسسه) خیریه
sympathetic (compassionate) / sim.pə θet ik/ adjective	همدرد، دلسوز، شفیق
knowledgeable (erudite) / na:.lr.dzə.bl/ adjective	باهوش، زیرک، مطلع، آگاه (عالم)
intelligent (smart; bright) /In tel.1.d3 ont/ adjective	زیرک، باهوش
humorous /ˈhjuː.mə.rəs/ adjective	طنز آميز
witty / wit_i/ adjective	بذله گو، شوخ
versatile (many-sided; multi-faceted) /'v3:.s3.t_o1/ adjective	دارای استعداد و ذوق، همه کاره
competent (qualified) / 'kɑːm.pə.t¸ adjective	لايق، شايسته (واجد شرايط)
assiduous (diligent; arduous; laborious) /əˈsɪd.ju.əs/ adjective	سخت کوش، دارای پشتکار
ingenious (clever) /ɪnˈdʒiː.ni.əs/ adjective	مبتكر، باهوش
judicious (wise; sensible) /dʒuːˈdɪʃ.əs/ adjective	عاقل، دانا، خردمند
frugal (thrifty; economical) / fru:.g ^a l/ adjective	صرفه جو (مقتصد)
nquisitive (curious) /inˈkwiz.i.tˌiv/ adjective	کنجکاو، پیجو
officious (prying) /əˈfɪʃ.əs/ adjective	فضول، مداخلهگر، ناخواسته (کنجکاوی)
intrusive /in'tru:.siv/ adjective	سرزده، ناخوانده، فضول، فضولانه
impetuous (hasty) /Im' pet.ju.əs/ adjective	یروا، سریع (شتابزده)
impulsive (rash) /Im'pʌl.sɪv/ adjective	عجول، بي پروا، عمل بدون فكر قبلي و في البداهه
whimsical (odd; eccentric) / wm.zi.k °l/ adjective	بوالهوس، وسواسي، دهن بين (عجيب و غريب)
fanatic /fəˈnætˌɪk/ noun	شخص متعصب
mischievous / mis.tʃi.vəs/ adjective	موذی، بدجنس
skeptical (dubious; doubtful; suspicious) / skep.ti.k °l/ adjective	شک گرایی، تردید، دیر باور (بدگمان، مشکوک)
reluctant (loath) /rɪˈlʌk.t ənt/ adjective	بي ميل (بيزار)
vigilant (alert; watchful; wary) / VIdʒ.I.lənt/ adjective	ی یک شهرورو
cautious (careful; prudent) /ˈkɑː.ʃəs/ adjective	هوشيار، محتاط، مواظب
scrupulous (discreet) /ˈskruː.pjʊ.ləs/ adjective	محتاط، وسواسي
composed (cool; calm; self-controlled) /kəmˈpouzd/ adjective	آرام، خونسرد
reserved (restrained) /Tɪˈzɜ·ːvd/ adjective	محتاط، کم حرف (کسی که احساسات رو دیر بروز میدهد)
melancholy (moody) / mel.əŋ.kɑ:.li/ adjective	بد اخلاق، عبوس، مالیخولیا یا سودازدگی (نوعی افسردگی که مهمترین ویژگی آن بی-
A	انگیزگی همراه با اختلال بارزِ روانی حرکتی و احساس گناه است)
depressed (dejected) /di prest/ adjective	دلتنگ، پریشان، افسرده
frustrated (disappointed) /fras trei.tjd/ adjective	ناامید، ناکام
pessimistic / pes.i mis.tik/ adjective	بدبین، وابسته به بدبینی

anxious (uneasy; care) / æŋk.ʃəs/ adjective	مشتاق، دلواپس (مضطرب)
timid (cowardly) / tɪm.ɪd/ adjective	ترسو، کمرو، محجوب
dependent /dɪˈpen.d adjective	وابسته، مربوط، محتاج
humble (unpretentious) / hAm.bl / adjective	پست، فروتن، متواضع، محقر (بیتکلف)
listless (languid) / list.ləs/ adjective	بىمىل، بى توجە (ضعيف، بىحال)
stubborn (obstinate) / stʌb.ən/ adjective	سمج، خود رأی، لجوج
persistent (persevering) /pə ˈsɪs.t adjective	مصر، سمج (با پشتکار)
adamant (dogged; insistent; unbending) / æd.ə.mənt/ adjective	یکدنده (مصر، قاطع)
contemptuous (scornful) /kənˈtemp.tju.əs/ adjective	اهانت آميز، مغرورانه، قابل تحقير، تحقير آميز
pompous (vainglorious) / pa:m.pəs/ adjective	باشکوه، خود نمایانه (خودستا)
haughty (arrogant; supercilious) / ha: tj/ adjective	مغرور و متکبر (خودبین، از روی خودخواهی)
dominant (governing) / da:.mə.nənt/ adjective	غالب، برجسته (حاكم)
domineering (overbearing; tyrannical) / dom.i niə.rin/ adjective	سلطه جو (از خود راضی، استبدادی)
presumptuous (daring; audacious) /priːˈzʌmp.tʃuː.əs/ adjective	مغرور (گستاخ، بیپروا)
extravagant (lavish) /ıkˈstræv.ə.g ont/ adjective	غيرمعقول، عجيب غريب، گزاف، مفرط (حراج، ولخرج)
aggressive (quarrelsome; belligerent) /əˈgres.ɪv/ adjective	پرخاش گر، متجاوز (ستیزهجو)
ferocious (fierce) /fə rou.∫əs/ adjective	تندخو، خشمگین
hostile (unfriendly) / ha:.st ^a l/ adjective	متخاصم، ضد (غير دوستانه)
offensive (irritating; annoying) /əˈfent.sɪv/ adjective	متجاوز، اهانتاًور (رنجشاًور)
bad-tempered (ill-humoured) / bæd temp.od/ adjective	بدخلق، عبوس
relentless (unrelenting) /rɪˈlent.ləs/ adjective	بیرحم (بیامان، سختگیر)
reckless (heedless) / rek.ləs/ adjective	بی پروا، بیملاحظه
selfish (egotistic) / sel.fiʃ/ adjective	خودخواه، خود پرست (خود خواهانه)
avaricious (rapacious; greedy) / æv.əˈrɪʃ.əs/ adjective	حريص، اَزمند (درندهخو، طماع)
stingy (miserly) / stin.dʒi/ adjective	ناشی از خست، خسیس، چشم تنگ
snobbish /ˈsnɑː.bɪʃ/ adjective	مغرور، پرافاده
hypocritical (insincere) / hip.ə krit i.k əl/ adjective	متظاهر، ریاکار (غیر صمیمی)
foolish (silly; stupid) / fu:.ltʃ/ adjective	احمق، ابلهانه
clumsy (awkward) /ˈklʌm.zi/ adjective	بد ترکیب، زمخت، نا آزموده (غیر استادانه)
ignorant (uninformed) / ig.nə. ant/ adjective	نادان، جاهل (بیاطلاع)
incompetent (incapable; unfit) /in'ka:m.pə.t.ənt/ adjective	بى كفايت، فاقد صلاحيت (ناتوان، نامناسب)
irresponsible (untrustworthy; unreliable) / ir.i'spa:nt.si.bl/ adjective	وظيفه نشناس (غير قابل اعتماد)
negligent (neglectful) / neg.li.dʒ ant/ adjective	غافل، بیدقت، فروگذار
neutral /ˈnuː.trəl/ adjective	بىطرف
detached (impartial) /dɪˈtætʃt/ adjective	جدا، منفصل، بیاعتنا (بیغرض، عادل)
disinterested (fair; unbiased; unprejudiced) /dɪˈsɪn.trə.stɪd/ adjective	بیغرض، بیطرف (منصفانه، بی تعصب)
12. MEI	DICINE
Word	Definition
remedy (therapy) / rem.ə.di/ noun	درمان، علاج، دارو
medicinal /məˈdɪs.ɪ.nəl/ adjective	دارویی، شفاء بخش
medical / med.r.k al/adjective	پزشکی

گواهيِ پزشكي

22	ΙP	а	g	e
~~		и	8	_

medical certificate /- sə-ˈtɪf.ɪ.kət/ noun

medical apparatus (instruments) /- ˌæp.əˈræt¸əs/ noun	دستگاه پزشکی (ابزار)
medication (medicine; drug) / med.i kei. f on/ noun	دارو، تجويز دوا
tablet (pill; capsule) / tæb.lət/ noun	قرص (حبه دارو، کپسول)
injection /ɪnˈdʒek.∫ ³n/ noun	تزریق، داروی تزریق کردنی
anesthetic (narcotic) / æn.əs θet ık/ noun	بیهوشی، داروی بیهوشی (مخدر، مسکن)
surgery /ˈsɜ-ː.dʒəi/ noun	اتاق جراحی، عمل جراحی
antibiotic / æn.t j.baı ˈaː.t jk/ noun	آنتی بیوتیک (دارویی (مانند پنی سیلین و مشتقات آن) جهت مهار رشد یا از بین بردن ریزاندامگانی شامل ویروسها، باکتریها، برخی قارچها و)
analgesic (pain-killer) / æn.əlˈdʒi:.zɪk/ noun	ضد درد، مسکن
tranquilizer /ˈtræn.kwɪ.laɪ.zə/ noun	آرام بخش، داروی تسکین دهنده
opiate /'ou.pi.ət/ noun	مخدر، تسکین دهنده
potency (efficacy) /'pou.t_ont.si/ noun	توان، قدرت، توانایی (کارآیی)
physician /fiˈzɪʃ. ³n/ noun	پزشک
surgeon /ˈsɜ-:.dʒ ən/ noun	جراح
dentist (dental surgeon) / den.t.jst/ noun	دندان پزشک (جراح دندان پزشکی)
dietician (dietitian) / dar.əˈtɪʃ. ³n/ noun	متخصص تغذيه
therapist / 'θer.ə.pist/ noun	درمان شناس (متخصص در یک نوع خاصی از درمان)
radiologist /ˌreɪ.diˈɑː.lə.dʒɪst/ noun	پرتوشناس (متخصص در تفسیر تصاویر حاصل از عمل تصویربرداری)
veterinarian / vet. ³r.ı'ner.i.ən/ noun	دام پزشک
diagnosis / dar.əgˈnoʊ.sɪs/ noun	تشخیص، تشخیص ناخوشی
prescription /pri'skrip.∫ °n/ noun	نسخه، نسخه نویسی، تجویز
dispensary (pharmacy) /di'spent.sə.i/ noun	داروخانه عمومی، داروسازی، داروخانهٔ تحت حمایت صندوقهای خیریه
emergency (first) aids /1'm3:.d3 ont.si.,f3:st'e1.dz/ noun	کمکهای اضطراری، کمکهای اولیه
ailing (ill; sick) / e1.ln/ adjective	بيمار
contract /kənˈtrækt/ verb	- بیمار شدن، منقبض شدن ماهیچهها
afflict /əˈflɪkt/ verb	مبتلا کردن، رنجاندن
symptom /ˈsɪmp.təm/ noun	نشانه، علائم مرض
indigestion / ım.dı.dʒes.t∫ °n/ noun	سوء هاضمه
injury (cut; wound) / in.dʒə.i/ noun	- آسیب، صدمه (برش، زخم)
hemorrhage (bleeding) / hem.ə.ɪdʒ/ noun	خونريزى
disabled (handicapped) /drˈseɪ.bl d/ adjective	معلول (ناقص)
deformity (malformation; misshapen) /dr fɔ:r.mə.tj/ noun	بد شکلی، نقص خلقت (ناهنجاری)
incurable (fatal) /in'kjur.ə.bl/ adjective	علاج ناپذیر، بی درمان (کشنده)
cancer /ˈkænt.sə/ noun	سرطان
epidemic / ep.i dem.ik/ noun	بیماری همه گیر، مسری، واگیر
endemic /enˈdem.ɪk/ adjective	بیماری همه گیر بومی، مختص یک ناحیه
incidence /ˈɪnt.sɪ.d ənts/ noun	شيوع مرض، وقوع
influenza (flu) / ˌɪn.fluˈen.zə/ noun	آنفلوانزا (یک عفونت ویروسی بسیار مسری که اغلب از راه تنفس منتقل میشود)
infection /m'fek,∫°n/ noun	عفونت، سرايت مرض
infectious /ɪnˈfek.ʃəs/ adjective	عفونی، واگیر
contagious /kənˈteɪ.dʒəs/ adjective	مسری، واگیردار
contaminate /kənˈtæm.ɪ.neɪt/ verb	آلودن، سرایت دادن
inflammation /ˌɪn.fləˈmeɪ.∫ ¹n/ noun	

microorganism (germ; bacteria) / mai.krou'ɔ:r.g ən.i.z əm/ noun	جانوران کوچک و میکروسکوپی (باکتری)	
virus /ˈvaɪə.rəs/ noun	ویروس (عامل نقل و انتقال امراض)	
noninfectious /na:n.ɪnˈfek.ʃəs/ adjective	غير عفونى	
hypertension (high-blood pressure) / haɪ.pə 'ten.tʃ 'n/ noun	فشار خون، بیماری فشار خون (فشار خون بالا)	
heart attack /hɑːrt.əˈtæk/ noun	حمله قلبی، سکته (آسیب به عضلهٔ قلب ناشی از کاهش یا توقف خونرسانی)	
stroke /strouk/ noun	سکتهٔ مغزی (اختلال ناگهانی در خونرسانی به ناحیهای از مغز)	
anemia /əˈniː.mi.ə/ noun	کم خونی	
allergy /ˈæl.ədʒi/ noun	حساسیت نسبت به چیزی	
chronic /ˈkrɑː.nɪk/ adjective	دیرینه، مزمن، شدید	
acute /əˈkjuːt/ adjective	حاد، (سلسله اعصاب) حساس	
hygiene /ˈhaɪ.dʒiːn/ noun	بهداشت، علم بهداشت	
sanitary /ˈsæn.ɪ.ter.i/ adjective	بهداشتی	
inspect /in'spekt/ verb	بررسی کردن، رسیدگی کردن	
immunization /ˌɪm.jʊ.naɪˈzeɪ.∫ ³n/ noun	ایمن سازی (فرآیند تقویتِ سیستم ایمنی فرد در مقابل یک عامل)	
vaccination / væk.sı'neı. f °n/ noun	واكسن زنى	
13. MATHEMATICS		
Word	Definition	

Word	Definition	
arithmetic /əˈrɪθ.mə.tˌjk/ noun	حساب، حسابی، علم حساب	
mathematician / ˌmæθ.məˈtɪʃ. ³n/ noun	ریاضیدان	
calculation / kæl.kjʊˈleɪ.ʃ ən/ noun	محاسبه، محاسبات	
calculator /ˈkæl.kjʊ.leɪ.tə/ noun	ماشين حساب	
abacus /ˈæb.ə.kəs/ noun	چرتکه	
numeral /ˈnuː.mə.rəl/ adjective	شمارهای، عددی	
sum /sam/ noun	حاصل جمع	
total (sum total) /'təʊ.t əl/ noun	مجموع، سرجمع	
aggregate /ˈæg.rɪ.gət/ noun	جمع	
fraction / fræk.ʃ °n/ noun	کسر	
decimal / des.i.məl/ adjective	اعشاری، دهگان (اسم: دهدهی)	
percentage /pəˈsen.t.j.dʒ/ noun	برحسب درصد، درصد	
addition /əˈdɪʃ. an/ noun	افه، افزایش، جمع	
plus /plns/ preposition	بن بر (اسم: علامت بعلاوه)	
subtraction /səbˈtræk.∫ ³n/ noun	ش، تفریق	
minus / mai.nəs/ noun	ہای، علامت منفی (صفت: کمتر)	
multiplication / mʌl.t.jplɪˈkeɪ.ʃ ən/ noun	ضرب، افزایش	
multiplication table /- 'teɪ.blˌ/noun	جدول ضرب	
multiply /ˈmʌl.t.j.plaɪ/ verb	ضرب کردن	
times /taimz/ preposition	سربدر (×)	
power /paʊə/ noun	توان	
square /skwer/ noun	توان دوم، مجذور	
division /dɪˈvɪʒ. ən/ noun	نقسيم، بخش	
divide /dr'vard/ verb	تقسیم کردن، قسمت کردن	
over /'ou.və/ preposition	تقسیم بر	

algebra /ˈæl.dʒə.brə/ noun	جبر
quantity /ˈkwɑːn.t.ə.t.j/ noun	مقدار، کمیت، اندازه
unknown quantity /ʌnˈnoʊn -/ noun	مقدارِ مجهول
equation /1'kwe1.3 °n/ noun	معادله، برابری
formula / fɔ:r.mjʊ.lə/ noun (plural formulas or formulae)	فرمول، قاعده
root /ru:t/ noun	ريشه
square root /skwer -/ noun	جذر، ریشهٔ دوم
cube root /kju:b -/ noun	ريشة سوم
geometry /dʒiˈɑː.mə.tri/ noun	علم هندسه
geometric / dʒi:.əˈmet.rɪk/ adjective	هندسى
dimension / dar men.t f an/ noun	بعد، اندازه
parallel / per.ə.lel/ adjective	موازی
vertical /ˈvɜː.tˌə.k əl/ adjective	عمودى
square /skwer/ noun	مربع
area /ˈer.i.ə/ noun	مساحت، ناحیه، سطح
rectangle (oblong) / rek.tæŋ.gl / noun	مربع مستطيل
polygon / ˈpɑː.lɪ.gɑːn/ noun	چند گوشه، چند ضلعی
cube /kju:b/ noun	مکعب، هر چیزی به شکل مکعب
volume /'va:1.ju:m/ noun	حجم، ظرفیت
sphere /sfir/ noun	کره، دایره، حوزه
circle /ˈsɜ·.kl/ noun	دایره، دور، محیط دایره
ellipse (oval) /ɪˈlɪps/ noun	بيضي (تخم مرغي شكل)
cone /koun/ noun	مخروط، مخروطی
circumference /so 'kamp.fo. onts/ noun	محيط، محيط دايره، پيرامون
diameter /daɪˈæm.ə.t.ə/ noun	قطر دايره
radius /ˈreɪ.di.əs/ noun	شعاع، شعاع دايره
trigonometry / trig.əˈnɑː.mə.tri/ noun	مثلثات
triangle /ˈtraɪ.æŋ.gl/ noun	مثلث، سه گوش
equilateral triangle /ˌiː.kwɪˈlæt¸ °r. °l -/ adjective	مثلث متساوى الاضلاع
angle /ˈæŋ.gl/ noun	گوشه، زاویه
right angle /raɪt -/ adjective	زاوية قائمه
degree /dɪˈgriː/ noun	درجه
calculus /ˈkæl.kjʊ.ləs/ noun	حساب دیفرانسیل و انتگرال، جبر
function /'fʌŋk.∫ ³n/ noun	تابع
probability / pra:.bəˈbɪl.ə.t.j/ noun	احتمال
statistic /stəˈtɪs.tɪk/ noun	آماری، سرشماری
tabulating /ˈtæb.jʊ.leɪtɪŋ/ verb	جدول بندی دادهها
quantitative /ˈkwɑːn.tˌə.teɪ.tˌɪv/ adjective	مقداری، کمی
qualitative /ˈkwɑː.lɪ.teɪ.tˌɪv/ adjective	کیفی
summarization /ˈsʌm.ə.raɪzeɪ.ʃ ən/ verb	خلاصه سازی
random /ˈræn.dəm/ adjective	تصادفی
logic /ˈlɑː.dʒɪk/ noun	استدلال، برهان
induction /ɪnˈdʌk.∫ ³n/ noun	قیاس، قیاس کل از جزء، استنتاج، استقراء

14.	HI-TECH
Word	Definition
Hi-tech (high tech; high technology) /haɪ.tek/ noun	فن آوري پيشرفته
sophisticated (advanced) /səˈfɪs.tɪ.keɪ.tɪd/ adjective	پیشرفته، خبره و ماهر، مشکل و پیچیده، مصنوعی
precision /prəˈsɪʒ. an/ noun	دقت، صراحت، ظرافت
breakthrough /ˈbreɪk.θruː/ noun	پیشرفت یا کشف مهم، پیشرفت غیر منتظره (علمی یا فنی)
electronic products /ɪˌlekˈtrɑː.nɪk.ˈprɑː.dʌkts/ noun	محصولات الكترونيكي
electronic organ /ɪˌlekˈtrɑː.nɪk.ˈɔːr.gən/ noun	وسيلة الكترونيكى
electronic hearing aid /ɪˌlekˈtrɑː.nɪk.ˈhɪr.ɪŋ.eɪd/ noun	کمک شنوایی الکترونیکی (سمعک)
electron microscope /ɪˈlek.trɑːn.ˈmaɪ.krə.skoop/ noun	ميكروسكوپ (ريزبين الكتروني)
microprocessor / mai.krou pra:.ses. o/ noun	ریز پردازنده (تراشهٔ کوچک ترانزیستوری با قابلیت انجام عملیات حسابی و منطقی)
and cal Chan / and tall all for ha /	فیبر نوری (رشتهٔ باریک و بلند از یک مادهٔ شفاف مانند شیشه (سیلیکا) یا پلاستیک، دارای
optical fiber /ˈɑːp.tɪ.k əl.ˈfaɪ.bə/ noun	پهنای باند بسیار بالاتر از کابلهای معمولی)
fiber-optic cable /ˈfaɪ.bə.ˈɑːp.tɪ.k.ˈkeɪ.bl/ noun	کابل فیبر نوری
nuclear fuel /ˈnuː.kliː.ə.fjʊəl/ noun	سوخت هستهای، اتمی
nuclear submarine /ˈnuː.kliː.ə.ˌsʌb.məˈriːn/ noun	زیر دریایی اتمی
solar collector (furnace) /ˈsoʊ.lə·.kəˈlek.tə/ noun	صفحهٔ جذب کننده تابش خورشید (کورهٔ خورشیدی)
solar cell /ˈsoʊ.lə.sel/ noun	سلول خورشیدی (یک قطعهٔ الکترونیکیِ مبدل انرژی نور خورشید به الکتریسیته)
synthetic /sɪnˈθet.ɪk/ adjective	ترکیبی، مرکب از مواد مصنوعی
counterpart / kaon.t.p.pa:rt/ noun	همتا، نقطهٔ مقابل، قرین
/1 /	مهندسی ژنتیک (مجموعه روشهایی بهمنظور جداسازی، خالصسازی و واردکردن یک ژن
genetic engineering /dʒəˈnet¸ık.ˌen.dʒıˈnɪr.ɪŋ/ noun	خاص در یک میزبان و ایجاد یک صفت یا محصول خاص مورد نظر در جاندار میزبان)
DNA (deoxyribonucleic acid) / di:.en ei/ noun	مادهٔ تشکیل دهندهٔ کروموزومها و حامل اطلاعات ژنتیکی
organ transplanting /ˈɔːr.gən.trænˈsplæntɪŋ/ verb	پیوند زدن عضو

15.	EDU	JCA	HON

Word	Definition
preschool education (pre-elementary) / pri:.sku:l -/ noun	آموزش پیش دبستانی
pre-elementary /'pri:.,el.ı'men.t.o.i/ noun	دورهٔ مقدماتی قبل از شروع هر دورهای (مانند پیش دانشگاهی و پیش دبستانی)
elementary education (primary -) / el.ı'men.t.y.i -/ adjective	آموزش ابتدایی (بچههای در بازهٔ سنی ۵ تا ۱۱ سال)
secondary education / sek. an.der.i -/ adjective	آموزش متوسطه (بچههای در بازهٔ سنی تقریباً ۱۱ تا ۱۸ سال)
educational /ˌed.jʊˈkeɪ.ʃ °n. °l/ adjective	آموزشی، مربوط به موضوعات تحصیلی (آموزش و پرورش)
educational facilities /- fəˈsɪl.ə.t.jz/ noun	امكانات آموزشي
compulsory /kəmˈpʌl.sə.i/ adjective	اجباری (واحد آموزشی یا دورهٔ تحصیلی)
intellectual / in.t, ol'ek.tsu.ol/adjective	عقلانی، ذهنی، فکری
domain /dou'meɪn/ noun	حوزه، زمینه
nursery /ˈnɜ·sə·.i/ noun	پرورشگاه، شیرخوارگاه
kindergarten /ˈkɪn.də-ˌgɑːr.t ən/ noun	کودکستان، مهد کودک
institution of higher learning (education) /ˌɪnt.stɪˈtuː.ʃ ən.ɑːv.ˈhaɪ.əˈlɜ·ː.nɪŋ/ noun	موسسهٔ آموزش عالی
elementary school / el.ı'men.t.o.i.sku:l/ noun	دبستان
middle school / mɪd.l.,sku:l/ noun	مدرسهٔ راهنمایی
high school /haɪ.skuːl/ noun	مدرسهٔ متوسطه، دبیرستان
vocational high school /voʊˈkeɪ,ʃ °n. °l -/ noun	هنرستان

technical high school /'tek.ni.k °l -/ noun	بیرستان فنی حرفهای
university / ju:.nr'və:.sə.tj/ noun	انشگاه
college /ˈkɑː.lɪdʒ/ noun	انشكده
community college /kəˈmjuː.nə -/ noun	انشكدهٔ محلي
institute /ˈɪnt.stɪ.tuːt/ noun	وسسه
department /dɪˈpɑːrt.mənt/ noun	ارهٔ گروه آموزشی، شعبه، بخش
campus /ˈkæm.pəs/ noun	مین دانشکده و محوطهٔ کالج
accommodation (lodging) /əˌkɑ:.məˈdeɪ.ʃ ən/ noun	حل اقامت، محل سكونت، خوابگاه
-grader /-grei.do/ suffix	ىاگرد مدرسهٔ ابتدایی یا متوسطه، دانش آموز (در سطح کلاسي پیشوند)
freshman /ˈfreʃ.mən/ noun	عدید الورود، دانشجوی سال اول دانشکده
sophomore /ˈsɑː.fə.mɔːr/ noun	انشجوی سال دوم دبیرستان یا دانشکده (در یک دورهٔ چهار ساله)
junior / ˈdʒu:.njə/ noun	اگرد سال سوم (در یک دورهٔ چهار ساله)
senior /ˈsiː.njə/ adjective	اگرد سال آخر دانشگاه (کارشناسی) یا دبیرستان، ارشد، بالا رتبه
undergraduate /ˌʌn.dəˈgræd.ju.ət/ noun	انشجوی دورهٔ کارشناسی
graduate (student) / græd3.u.ət/ noun	انشجوی تحصیلات تکمیلی، فارغ التحصیل کارشناسی
academic / ˌæk.əˈdem.ɪk/ adjective	ربوط به مباحث آموزشی در مدرسه یا دانشگاه
transcript (academic performance) / 'træn.skript/ noun	رنامه (عملکرد تحصیلی)
credit (credit hour) / kred.rt/ noun	یداد (ساعت) واحد درسی
grade (score) /greɪd/ noun	یه، درجه، رتبه (نمره)
graduation thesis (paper) / græd3.u'eι.∫ °n.'θi:.si:z/ noun	ياننامهٔ فارغ التحصيلي (مقاله)
completion (of studies) /kəmˈpli:.ʃ ən/ noun	مام، تكميل (مربوط به تحصيلات)
satisfy the requirements (fulfill; meet) /'sæt_is.fai.ðə.ri'kwair.mənts/ phrase	ذراندن پیش نیازها (واحدهای مورد نیاز الزامی)
commencement (graduation exercise) /kəˈment.smənt/ noun	شن فارغ التحصيلي
enrollment /in'roʊl.mənt/ noun	منویسی، ثبت نام
admission /ədˈmɪʃ. ən/ noun	يرش
admissions office /- 'a:.fis/ noun	رهٔ پذیرش
entrance examination / en.trənts.ig,zæm.i nei. ʃ an/ noun	تحان ورودی
semester (term) /səˈmes.tə/ noun	م، نیمسال (دورهٔ ۱۶ هفتهای دانشگاه)
quarter /ˈkwɑː.t¸ə/ noun	یان ترم
summer session /'sam.ə.'sef. on/ noun	ِم تابستانی
tuition /'tuː'ɪʃ. ³n/ noun	هریه، تدریس، حق تدریس
tuition waiver /- 'wei.vo/ noun	شم پوشی از پرداخت شهریه توسط دانشجو (نوعی جایزهٔ مالی یا کمک هزینهٔ تحصیلی)
catalog /ˈkætၞ əl.ɑːg/ noun	اتالوگ، فهرست مدون، فهرست نامه
application form /ˌæp.lɪˈkeɪ.∫ °n.fɔːrm/ noun	گه د _ر خواست نامه
non-refundable /nɑːn.ˌriːˈfʌn.də.bl/ adjective	ير قابل استرداد (اعتبارات مالياتي تحصيلي)
prospective /prəˈspek.tɪv/ adjective	نشجوی آینده (احتمالی)
financial aid (assistance) /fai næn.t∫ °l.eid/ noun	مکرِ مالی
scholarship /ˈskɑː.ləʃɪp/ noun	رس تحصیلی، کمک هزینهٔ دانشجویی
fellowship /ˈfel.oʊ.ʃɪp/ noun	مک هزینهٔ تحصیلی
assistantship /əˈsɪs.t ənt.ʃɪp/ noun	ستيار
program / prov.græm/ noun	ِنامه، دستور کار

discipline /ˈdɪs.ə.plɪn/ noun	زمینهٔ درسی، رشته (علمی، تحصیلی)
liberal arts (humanities) / lɪb.ə. əl.a:rts/ noun	علوم انسانی
science course /saɪənts -/ noun	دورهٔ علمی
engineering course / en.dʒɪˈnɪr.ɪŋ -/ noun	دورهٔ مهندسی
curriculum /kəˈrɪk.jʊ.ləm/ noun	برنامهٔ آموزشی، دورهٔ تحصیلات
extracurricular /ˌek.strə.kəˈrɪk.jə.lə/ adjective	فوق برنامهای، فعالیتهای فوق برنامهای دانش آموز (مانند ورزش)
vacation (holiday) /veɪˈkeɪ.ʃ ən/ noun	تعطیلات، مرخصی، مهلت
course /kɔːrs/ noun	دوره، واحد
introductory course / ˌɪn.trəˈdʌk.t ər.i -/ adjective	دورهٔ مقدماتی
required course /rɪˈkwairəd -/ verb	واحد مورد نیاز (ضروری)
elective (course) /ɪˈlek.tɪv/ adjective	گزینشی، انتخابی (دوره یا واحد)
elective system /ɪˈlek.tɪv -/	سیستم گزینشی
encyclopedia /ɪnˌsaɪ.kləˈpiː.di.ə/ noun	دايره المعارف (مجموعهٔ نوشتاري جامعي شامل اطلاعاتي دربارهٔ همه يا بخشي از شاخههاي دانش)
major / mei.dzə/ adjective	موضوع اصلى مطالعه، ارشد
seminar /ˈsem.ɪ.nɑːr/ noun	سمینار (جلسهٔ بحث و تحقیق در مورد موضوعی خاص)
award (confer) /əˈwɔːrd/ noun	جايزه (اعطاء)
diploma (graduation certificate) /dɪˈploʊ.mə/ noun	دانشنامه، دیپلم (گواهی فارغ التحصیلی)
degree /dɪˈgriː/ noun	رتبه، پایه، دیپلم یا درجهٔ تحصیلی
associate degree /əˈsoʊ.si.eɪt -/verb	فوق ديپلم
bachelor's degree / bætʃ. ºl.o-z.dɪˈgriː/ noun	مدرک کارشناسی
master's degree /ˈmæs.tə/ noun	مدرک کارشناسی ارشد
doctor's degree (doctorate) / 'da:k.təz -/ noun	مدرک دکترا (عنوان دکتری)
postdoctoral /poust. 'da:k.tə °l/ noun	درجهٔ فوق دکتری
résumé (curriculum vitae) /ˈrez.ʊ.meɪ/ noun	رزومه، خلاصهای کوتاه از سوابق فردی (از قبیل سوابق تحصیلی، کاری و علاقههای شخصی)
objective /əbˈdʒek.tɪv/ adjective	علمی و بدون اعمال نظر شخصی، واقع گرایانه (اسم: هدف)
educational background (education) /- 'bæk.graund/ noun	سابقة تحصيلى
qualification /ˌkwɑ:.lɪ.fɪˈkeɪ.∫ °n/ noun	شرايط، صلاحيت
honor /ˈɑː.nə/ noun	افتخار، امتیاز تحصیلی (کسب رتبهٔ کلاسی، بورسیهٔ تحصیلی و)، جناب (در خطاب به شخصی)
experience (work experience) /ik'spir.i. ants/ noun	تجربه (تجربهٔ کاری)
special skill /ˈspeʃ. al.skɪl/ adjective	مهارت خاص (مانند روحیهٔ همکاری، ابتکار عمل، سازگاری و)
proficiency /prəˈfɪʃ. ant.si/ noun	مهارت، تخصص، کار آیی
expertise / ek.sps: 'ti:z/ noun	تجربه و تخصص، خبرگی
personal (personal information) / pa:.s on. ol/ adjective	خصوصی (اطلاعات شخصی)
marital status /ˈmær.ɪ.tə̞əl.ˈsteɪ.təs/ noun	وضعيت تأهل
reference /'ref.o.onts/ noun	ارجاع، رجوع
letter of recommendation / let_o-a:v.,rek.ə.men dei.∫ °n/ noun	توصیه نامه
faculty /ˈfæk. al.t.j / noun	دانشکده، استادان دانشکده یا دانشگاه (قوهٔ ذهنی)
faculty adviser /- ədˈvaɪ.zə/ noun	استاد مشاور
professor /prəˈfes.ə/ noun	استاد، پروفسور
associate professor /əˈsoʊ.si.eit -/ verb	دانشيار
assistant professor /əˈsɪs.t ənt -/ noun	استاديار
instructor /in'strak.tə/ noun	مربی، آموز گار، آموزشیار

tutor /ˈtuːt¸ə/ noun	معلم سرخانه، ناظر درس دانشجویان
chairman (chair) /ˈtʃeə.mən/ noun	رئیس دانشگاه یا دانشکده (کرسی استادی در دانشگاه)
dean /di:n/ noun	رئیس، رئیس دانشکده
principal /'prɪnt.sɪ.p ºl/ adjective	رئيس (مدير مدرسه)
president (chancellor) / prez.i.d ont/ noun	رئیس، رئیس دانشگاه (صدر اعظم)
alumnus /əˈlʌm.nəs/ noun (plural alumni)	فارغ التحصيلان، دانش آموخته (مذكر)
alumna /əˈlʌm.nə/ noun (plural alumnae)	فارغ التحصيلان، دانش آموخته (مؤنث)
almamater /, a:l.məˈ.ma:.t.ə/ noun	نهاد آموزشی (پرورشگاه، آموزشگاه)

16. ARCHITECTURE

Word	Definition
prototype / prov.t.j.taip/ noun	نمونهٔ اولیه، مدل پیش الگو
architecture /ˈɑːr.kɪ.tek.tʃə/ noun	معماری
architect /ˈɑːr.kɪ.tekt/ noun	معمار
beam /bi:m/ noun	تير عمارت
building material /ˈbɪl.dɪŋ.məˈtɪr.i.əl/ noun	مواد و مصالح ساختمانی
building technique /ˈbɪl.dɪŋ.tekˈniːk/ noun	اصولِ مهارت ساخت
construct (construction) /kənˈstrʌkt/ verb	ساختن، بناء كردن
design element /dɪˈzaɪn.ˈel.ɪ.mənt/ noun	عنصر یا اساس طراحی
elevator / el.i.vei.t.g-/ noun	آسانسور، بالابر
gas station /gæs. 'ster.∫°n/ noun	پمپ بنزین
metal-frame / met, ol.freim/ noun	قاب فلزی
new materials /nu:.məˈtɪr.i.əlz/ noun	مواد یا مصالح جدید
archive /ˈɑːr.kaɪv/ noun	بایگانی
aquarium /əˈkwer.i.əm/ noun	آکواریوم (نمایشگاه جانوران و گیاهان آبزی)
cabin /ˈkæb.ɪn/ noun	اتاق کوچک، کلبه، کابین
castle /ˈkæs.l/ noun	قلعه، دژ، قصر
cathedral /kəˈθiː.drəl/ noun	کلیسای جامع
pyramid / pɪr.ə.mɪd/ noun	هرم، به شکل هرم
skyscraper /ˈskaɪˌskreɪ.pə/ noun	أسمان خراش، بلند
wing /wɪŋ/ noun	ساختمان جانبی (بخشی از یک ساختمان وسیع که از قسمت اصلی جلوتر آمده است و
	اغلب بعدها اضافه شده است)

17-23. ART

Word	Definition
17. photography /fəˈtaː.grə.fi/ noun	عکاسی، عکسبرداری، لوازم عکاسی
camera lens /ˈkæm.rə.lenz/ noun	لنز دوربين
darkroom / da:rk.ru:m/ noun	تاریکخانه (در عکاسی و غیره)
exposure /ɪkˈspoʊ.ʒə/ noun	(مدت زمان) نوردهی، مقدار نوری که به فیلم یا گیرنده تصویر میرسد (ترکیبی از نور موجود و سایر پارامترهای تأثیرگذار در عکسبرداری)
wide-angle lens /waɪd. ˈæŋ.gl ˌlenz/ noun	عدسی دارای زاویه دید بیش از معمول
18. dance /dænts/ noun	رقص
ballet /ˈbæl.eɪ/ noun	رقص ورزشی و هنری (رقص باله)
choreography / kɔːr.iˈɑː.grə.fi/ noun	رقص پردازی، هنر رقص، رقص مخصوصاً در تئاتر و

19. drama / dræm.ə/ noun	درام، نمایشنامه، تئاتر، نمایش
comic /ˈkɑː.mɪk/ adjective	وابسته به کمدی، خندهدار، داستان مصور و طنز
opera /ˈɑː.pə.ə/ noun	تماشاخانه، آهنگ اُپرا، اُپرا (آمیزهای از موسیقی و نمایش)
20. literature /ˈlɪt¸&.ɪ.tʃ&/ noun	ادبیات، ادب و هنر، مطبوعات
prose /prouz/ noun	نثر، سخن منثور
diary / dair.i/ noun	دفترِ خاطرات روزانه، خاطره نویسی
autobiography /ˌɑː.tə.baɪˈɑː.grə.fi/ noun	شرح حال خود، نگارش شرح زندگی شخصی بهوسیلهٔ خود او
editorial / ed.əˈtɔːr.i. əl/ noun	سر مقاله (مطلب مهم روزنامه شامل نظر ویراستار در مورد یک موضوع بهخصوص)
narrative prose /ˈnær.ə.t.jv -/ noun	نثر روایی (داستانی)
descriptive prose /dɪˈskrɪp.tɪv -/ adjective	نثر توصیفی (تشریحی)
essay /'es.eɪ/ noun	مقاله، انشاء، تأليف
poetry /'poʊ.ə.tri/ noun	چامه سرایی، شعر، فن شاعری، نظم
allegory /ˈæl.ə.gɔːr.i/ noun	تمثيل، كنايه، حكايت
fairy tale /ˈfer.i.teɪl/ noun	حكايت افسانهاى
legend /'ledʒ. and/ noun	افسانه
proverb /ˈprɑː.vɜːb/ noun	ضرب المثل، گفتار حكيمانه
literary criticism /ˈlɪtəə.rer.i.ˈkrɪtəɪ.sɪ.z əm/ noun	انتقاد ادبی
literary studies /ˈlɪt٫ə.rer.i.stʌd.iz/	مطالعات ادبى
prolific /prəˈlɪf.ɪk/ adjective	خلاق و پرکار
21. fine arts (painting and sculpture) /faɪn.ɑ:rt/ noun	هنرهای زیبا (نقاشی و مجسمه سازی)
brush /braʃ/ noun	قلم مو
canvas /ˈkæn.vəs/ noun	بوم، پارچهٔ مخصوص نقاشی
charcoal drawing /ˈtʃɑːr.koʊl.ˈdrɑː.ɪŋ/ noun	طراحی با زغال، سیاه قلم
engraving /mˈgreɪ.vɪŋ/ noun	حکاکی
landscape painting /'lænd.skeip.'pein.tjn/ noun	نقاشی منظره یا چشم انداز
lithograph /ˈlɪθ.oʊ.græf/ noun	چاپ سنگی، حکاکی روی سنگ، حجاری
fresco /ˈfres.koʊ/ noun	نوعی نقاشیِ آبرنگی روی گچ، دیوار نگاره
mural /ˈmjʊr. əl/ noun	دیواری، دیوارنما
mural painting /- 'peɪn.tˌɪŋ/ noun	نقاشیهای دیواری
portrait /'po:r.trɪt/ noun	تصویر، نقاشی، عکس یا تصویر صورت
gallery /ˈgæl.ơ.i/ noun	گالری، اتاق نقاشی، اتاق موزه
mix colors /mɪks.ˈkʌl.əz/ noun	رنگهای ترکیبی
original /əˈrɪdʒ.ɪ.nəl/ adjective	اصل، اصلی، ابتکاری
replica /ˈrep.lɪ.kə/ noun	نسخهٔ عین، المثنی
reproduction /ˌriː.prəˈdʌk.∫ ³n/ noun	هم آوری، باز تولید
sculptor /ˈskʌlp.tə/ noun	مجسمهساز، حجار، تندیس گر
statue /ˈstætʃ.uː/ noun	تندیس، پیکره، مجسمه
framing /freimin/ noun	قاب کردن، چارچوب گرفتن
pigment / pig.mənt/ noun	رنگ دانه، مادهٔ رنگی
autograph /ˈɑː.tə.græf/ noun	دستخط یا امضای خود مصنف
calligraphy /kəˈlɪg.rə.fi/ noun	خوشنویسی، خطاطی
22. movie /ˈmuː.vi/ noun	فيلم، سينما
animated cartoon /ˈæn.ɪ.meɪ.tɹd.kɑːrˈtuːn/ noun	داستان مصور متحرک

cartoon /kɑːrˈtuːn/ noun	کاریکاتور، داستان مصور، کارتون	
cast /kæst/ verb	معین کردن نقش بازیگر (اسم: بازیگران)	
close-up /ˈklousap/ noun	مای نزدیک	
director /daɪˈrek.tə ɪ/ noun	کار گردان	
documentary / da:.kjəˈmen.t.ə.i/ noun	مستند	
illumination /ɪˌluː.mɪˈneɪ.∫ °n/ noun	ورپردازی	
light-effect /laɪt.ɪˈfekt/ noun	ثر نحوه نورپردازی در سکانسهای مختلف فیلم بر کیفیت آن	
review /rɪˈvjuː/ <i>verb</i>	قد و بازبینی کردن	
script /skript/ noun	متن نمایشنامه	
theme song /θi:m.sa:ŋ/ noun	موسیقی متن	
23. music /ˈmjuː.zɪk/ noun	ىوسىقى	
musical instrument /ˈmjuː.zɪ.k əl.ˈɪn.strə.mənt/ noun	ًلات موسيقى	
orchestra /ˈɔːr.kɪ.strə/ noun	ر کست، دستهٔ نوازندگان (در تئاتر: جایگاه ویژه)	
string /strɪŋ/ noun	ساز زهی	
wind /wind/ noun	ساز بادی	
fanatical /fəˈnætˌt.i.k əl/ adjective	طرفدار متعصب	
folk music /fook -/ noun	موسیقی محلی	
pop music /pa:p -/ noun	موسیقی پاپ (تمامی موسیقیهای محبوب، شامل بسیاری از سبکهای متنوع)	
classical music /ˈklæs.ɪ.k əl -/ noun	موسیقی کلاسیک (پیرو سبکهای باستانی)	
jazz /dʒæz/ noun	موسیقی جاز (نوعی موسیقیِ کلاسیکِ موزون همراه با بداهه نوزای)	
band music /bænd -/ noun	گروه موسیقی	
cello (violoncello) / tʃel.oʊ/ noun	ویولون سل (نوعی ویولون دارای چهار رشته یا زهی)	
chamber music /ˈtʃeɪm.bə -/ noun	قى مجلسى	
choral society /ˈkɔːr. əl.səˈsaɪ.ə.t j/ noun	دستهٔ سرایندگان (معمولاً در کلیسا)	
chord /kɔ:rd/ noun	ه، کورد (نواخته شدن دو یا چند نوت موسیقی بهطور همزمان)	
chorus /ˈkɔːr.əs/ noun	گروه کر، نغمه سرایان هم آهنگ	
march /ma:rtʃ/ noun	مارش، نوعی موسیقی نظامی معمولاً برای رژه (قدم رو)	
melody / mel.ə.di/ noun	صدای موسیقی نوا، ترانه	
vocal music /'vov.k °l -/ adjective	خوانندگی تک نفرہ بدون موسیقی، موسیقی آوازی	
concerto / ka:n.sə 'təv/ verb	نطعه موسيقى	
quality /ˈkwɑː.lə.t.j/ noun	کیفیت، خصوصیت، نوع	
volume /ˈvɑːl.juːm/ noun	درجهٔ صدا، ولوم	
harmony /'hɑːr.mə.ni/ noun	عارمونی، همآهنگی، توازن عارمونی، همآهنگی، توازن	
symphony /'simp.fə.ni/ noun	سمفونی، قطعهٔ طولانی موسیقی، همنوایی	
viola /viˈoʊ.lə/ noun	یولن بزرگ	
violin / varə lın/ noun	ييولن	
wind instrument /wind. 'in.stra.mant/ noun	بزار موسیقی بادی	
24. AR	CHEOLOGY	
Word	Definition	
ancestor /ˈæn.ses.tə/ noun	جد، نیا	
ancient civilization /'ein.tʃ ont. siv.əl.ai zei.ʃ on/ noun	نمدن کهن (باستانی)	
origin /ˈɔːr.ə.dʒɪn/ noun	خاستگاه، منشا، اصل	

31	P	а	g	е

originate /əˈrɪdʒ.ɪ.neɪt/ verb	سرچشمه گرفتن، ناشی شدن
anthropology /ˌænt.θrəˈpɑː.lə.dʒi/ noun	انسان شناسی (بخشی از علوم اجتماعی در خصوص توضیح ابعاد وجودی انسان)
paleo-anthropology /peɪ.li.oʊˌænt.θrəˈpɑː.lə.dʒi/ noun	مطالعهٔ انسانهای ما قبل تاریخ
artifact /ˈɑːr.t.j.fækt/ noun	مصنوعی، ساختگی
antique /ænˈtiːk/ noun	عتیقه، کهنه، باستانی
antiquity /ænˈtɪk.wə.t.j/ noun	عهد عتیق، روزگار باستان (قدمت)
relic /ˈrel.ɪk/ noun	يادگار، آثار مقدس، عتيقه
clan /klæn/ noun	طايفه، قبيله، دسته
tribe /traib/ noun	ایل، قبیله، طایفه
cluster /ˈklʌs.tə/ noun	دسته، گروه
dinosaur /ˈdaɪ.nə.səːr/ noun	دایناسور (دستهای از سوسماران دورهٔ تریاسیک)
paleontology / ˌpæl.i.ənˈtɑː.lə.dʒi/ noun	ديرينه شناسي
prehistoric / pri:.hi sto:r.ik/ adjective	وابسته به قبل از تاریخ
excavate (unearth) / ek.skə.veɪt/ verb	کاویدن، حفاری کردن، از خاک در آوردن
hominid /'ha:.mə.nid/ noun	جنس انسان، هر موجود شبه انسان (مانند انسانهای اولیه، میمون آدموار)
Bronze Age /bra:nz.eidʒ/ noun	عصر برنز (دورهٔ ساخت ابزارآلات با فلز برنز، قبل از کشف آهن و بعد از عصر حجر)
Iron Age /airn.eidʒ/ noun	عصر آهن (قبل از ميلاد مسيح)
Neolithic Age /ˌniː.οʊˈlɪθ.ɪk.eɪdʒ/ adjective	وابسته به عصر حجر جدید، نوسنگی
Mesolithic /ˌmiː.ουˈlɪθ.ɪk/ noun	میانسنگی (وابسته به دورهٔ مابین عصر حجر قدیم و جدید)
Stone Age /stoun.eidʒ/ noun	عصر حجر
Paleolithic Age /ˌpeɪ.li.oʊˈlɪθ.ɪk.eɪdʒ/ adjective	پارینه سنگی (وابسته به دورهٔ دوم عصر حجر قدیم یا کهنه سنگی)
Rock painting /ra:k. 'pem.t,in/ noun	سنگ نگاره
remains /rɪˈmeɪnz/ plural noun	اثر باقیمانده، بقایا
ruin /ˈruː.ɪn/ noun	مخروبه، تباهی، ویرانی
skull /skal/ noun	جمجمه، کاسهٔ سر
fossil /ˈfɑː.s əl/ noun	سنگواره، فسیل، مربوط به ادوار گذشته
morphology /mɔːrˈfɑː.lə.dʒi/ noun	تاريخ تحولات لغوى، ريخت شناسي (مطالعهٔ ساختار حيوانات، گياهان، الفاظ و)
25. AGRICU	ULTURE (FARMING)
Word	Definition
agranian (a'gran i an) adiactiva	مربوط به زمین و مالکیت آن (بهخصوص مزرعه)، منطقه یا کشوری که بیشتر وابسته به
agrarian /əˈgrer.i.ən/ adjective	درآمد حاصل از کشاورزی است
agricultural /ˌæg.rɪˈkʌl.tʃə. əl/ adjective	زراعتی، کشاورزی
aquaculture /ˈæk.wə.ˈkʌl.tʃə/ noun	آبزی پروری
clay /kleɪ/ noun	خاک رس، گل
clod /kla:d/ noun	کلوخ، خاک
corn /kɔ:rn/ noun	ذرت، غله، دانه
cotton /'ka:.t¸ an/ noun	پنبه
cultivate (till) / 'kʌl.t.ə.veɪt/ verb	کشت کردن، زراعت کردن
dairy (dairy cattle) / der.i/ adjective	لبنیاتی (گاوهای شیرده، دامهای شیری، احشام لبنیاتی)
grain (cereal) /greɪn/ noun	حبوبات، غله
greenhouse (glasshouse; hotbed) / gri:n.haus/ noun	گرمخانه (گلخانه، اصطلاح زیست شناسی برای بستر خاکی یک منطقه که به دلایلی از قبیل پوسیدگی و تخمیر کود گرم شده و برای پرورش گیاهان مورد استفاده قرار می گیرد)

harvest /'ha:r.vist/ noun

hay /heɪ/ noun	علف خشک، یونجهٔ خشک
insecticide (pesticide) /ɪnˈsek.tɪ.saɪd/ noun	حشره کش (ماده ضد آفت)
irrigate /ˈɪr.ɪ.geɪt/ verb	آبیاری کردن
land (soil) /lænd/ noun	زمین، خشکی (خاک)
livestock /ˈlaɪv.stɑːk/ plural noun	چهار پایان اهلی، احشام
manure (fertilizer) /məˈnor/ noun	کود کشاورزی (کود)
pasture /ˈpæs.tʃə/ noun	چراگاه، مرتع
pea /pi:/ noun	نخود فرنگی، نخود
pest /pest/ noun	آفت (موجودات زندهٔ مضر برای کشاورزی)
plantation /plænˈteɪ.ʃ ən/ noun	کشت و زرع، مزرعه
roost (hen house) /ruːst/ noun	نشیمن گاه پرنده، لانهٔ مرغ
soil erosion /sɔɪl.ɪˈroʊ.ʒ ən/ noun	فرسایش خاک (فرآیند جابهجایی ذرات خاک توسط یک عامل انتقال دهنده مانند آب یا باد)
sow (seed) /sou/ verb	بذر ريختن، كاشتن
soybean /'səɪbiːn/ noun	سويا
spray /sprei/ noun	افشانه، ترکه، شاخهٔ کوچک
stable / ster.bl / noun	طویله، اصطبل
tomato /təˈmeɪ.t.ou/ noun	گوجه فرنگی
weed /wi:d/ noun	علف هرزه
wheat /wi:t/ noun	گندم

26. METEOROLOGY

Word	Definition
atmosphere /ˈæt.mə.sfir/ noun	هوا، جو
avalanche (snow slide) /ˈæv. əl.æntʃ/ noun	بهمن
blizzard (snowstorm) / bliz.əd/ noun	باد شدید توأم با برف، کولاک
hail /heɪl/ noun	تگرگ، طوفان تگرگ
climate /ˈklaɪ.mət/ noun	اقلیم، آب و هوا
condense /kənˈden <i>t</i> s/ <i>verb</i>	هم چگال کردن، متراکم کردن، منقبض کردن
convection /kənˈvek.ʃ ən/ noun	همرفت، انتقال گرما (در مایع)
116 44 116 4	جبههٔ سرد (خط مرزی در سطح زمین بین یک تودهٔ هوای سردِ در حال پیشروی و یک تودهٔ
cold front /kould.frant/ noun	هوای گرم در زیر آن (سبب بالارفتن نزول دما، تغییر جهت وزش باد، رگبار سنگین و))
warm air mass /wɔːrm.er.mæs/	تودهٔ هوای گرم
crystal /ˈkrɪs.t əl/ noun	کریستال یا بلور (صفت: شفاف یا زلال)
current /'ka:.ont/ adjective	جاری، سیال
humidity /hju: 'mɪd.ə.t j/ noun	نم، مقدار رطوبت هوا
moisture /ˈmɔɪs.tʃə/ noun	رطوبت، نم
devastation / dev.ə ster. $\int n noun$	تخریب، خرابی، انهدام
dew /du:/ noun	ژاله (شبنم)
disaster (calamity; catastrophe) /dɪˈzæs.tə/ noun	مصيبت، فاجعه (بلاى ناگهانى)
shower /ʃaur/ noun	رگبار، درشت باران
tempest (storm) /'tem.pist/ noun	طوفان، تند باد
torrential rain /tɔ:ˈrent.∫ ol.reɪn/ noun	باران سیل آسا
droplet /'dra:p.lət/ noun	قطرهٔ کوچک
drought /draut/ noun	خشكى، خشكسالى

dust storm /dʌst.stɔ:rm/ noun	طوفان گرد و غبار
sandstorm /'sænd.sto:rm/ noun	ماسه باد، طوفان شن
fog (mist) /fa:g/ noun	مه، غبار
forecast (predict) / fɔːr.kæst/ noun	پیش بینی وضع آب و هوا
frost /fra:st/ noun	ژاله، شبنم منجمد، برفک
typhoon /tarˈfuːn/ noun	گردباد
hurricane /ˈhɜ·ː.ɪ.kən/ noun	گردباد، طوفان شدید
meteorology / mi:.tj.əˈrɑ:.lə.dʒi/ noun	مبحث تحولات جوی، علم هواشناسی
precipitation /pri: ˌsɪp.ɪˈteɪ.∫ ən/ noun	بارش، ته نشینی
rainbow / rem.bou/ noun	رنگین کمان، قوس و قزح
saturate /ˈsæt.jor.eɪt/ verb	اشباع کردن، آغشتن، بهشدت خیس کردن
smog /sma:g/ noun	مه و دود، مه غلیظ ناشی از دود یا بخارهای شیمیایی
submerge /səbˈmɜːdʒ/ <i>verb</i>	غرق کردن، در آب فرو بردن
tidal wave /ˈtaɪ.d əl.weɪv/ adjective	موجهای بسیار بزرگ (کشند)
thunder /ˈθʌn.də/ noun	رعد و برق
tropical depression /ˈtrɑː.pɪ.k əl.dɪˈpreʃ. ən/ noun	تندباد گرمسیری
vapor /'vei.pə/ noun	بخار، دمه، مه
evaporate /ɪˈvæp.ə.eɪt/ verb	تبخیر کردن، تبخیر شدن
wind velocity /wind.vəˈlɑ:.sə.t.j/ noun	سرعت باد
wind direction /wind.dai'rek.∫ °n/ noun	جهت باد
upper atmosphere /ˈʌp.əˈæt.mə.sfir/ noun	اتمسفر بالا (مرز بین فضا و اتمسفر یا جو زمین)

27	POI	TITT	00
LI.	POI		(.5

Word	Definition
accusation / æk.jʊˈzeɪ.ʃ ³n/ noun	اتهام
amendment /əˈmend.mənt/ noun	اصلاحیه، پیشنهاد اصلاحی نمایندهٔ مجلس نسبت به لایحه یا طرح قانونی
American Civil War /.əˈmer.ɪ.kən.ˈsɪv. əl.wə:r/ noun	جنگ داخلی آمریکا
colonize /ˈkɑː.lə.naɪz/ verb	استعماركردن
Congress /ˈkɑːŋ.gres/ noun	همایش یا کنگره (گونهای از گردهم آییِ مجمعی از سران دولت، نمایندگان ممالک یا دانشمندان در راستای بحث و گفتگو در مورد مسائل سیاسی، اقتصادی، علمی و)
conspiracy /kənˈspɪr.ə.si/ noun	توطئه، دسیسه
election /ɪˈlek.ʃ an/ noun	انتخابات، گزینش
federal system /ˈfed.ə. əl.ˈsɪs.təm/ adjective	سيستم فدرال (ائتلافي، اتحادي)
immigrant / im.i.grant/ noun	مهاجر
imprisonment /ɪmˈprɪz. ən.mənt/ noun	حبس، زندانی شدن
Independence War / ˌin.di pen.d onts.wo:r/ noun	جنگ استقلال (جنگ انقلابی آمریکا)
institutionalize /ˌɪnt.stɪˈtu:.∫ an.ə.laɪz/ verb	رسمی کردن، نهادینه کردن، تشکیل نهادهای دولتیِ نظارتی یا اجرایی
legislation / ledʒ.i slei. on/ noun	وضع قانون، تدوین و تصویب قانون، قانون
metropolitan / met.rəˈpɑː.lɪ.t ən/ adjective	وابسته به پایتخت یا شهرهای بزرگ
military / mɪl.ɪ.ter.i/ adjective	نظامی، جنگی
monarchy /ˈmɑː.nəki/ noun	سلطنت، رژیم سلطنتی
municipal /mju:ˈnɪs.ɪ.p əl/ adjective	وابسته به شهرداری، شهری
office holding /'a:.fis.'hoʊl.dɪŋ/ noun	سمت رسمی (مدیریت)

overturning /ˌoʊ.vəˈtɜːnɪŋ/ noun	انهدام، براندازش
presidential system / prez.i'den.tʃ °l.'sis.təm/ noun	سیستم ریاست جمهوری
radical /ˈræd.ɪ.k əl/ adjective	سياست مدار افراطي، طرفدار اصلاحات اساسي
release /rɪˈliːs/ verb	رهایی، آزادی، ترخیص، بخشش
Republican /rɪˈpʌb.lɪ.kən/ noun	جمهوری، جمهوری خواه، گروهی
Senate /sen.ət/ noun	مجلس سنا (نوعی مجلس قانون گذاری متشکل از اشراف، اشخاص باتجربه و سالخورده)
vote /voot/ verb	اخذ رأي، رأي دادن، فعاليت انتخاباتي كردن
28.	ZOOLOGY
Word	Definition
amphibian (amphibious animal) /æm' fib.i.ən/ noun	دوزیستان (حیوان دوزیست)
paleontologist / peɪ.li.a:n'ta:.lə.dʒɪst / noun	دیرینه شناس (محقق زیست شناسی دوران قدیم یا کهنه سنگی)
creature /ˈkriː.tʃə/ noun	موجود، جانور
fauna /ˈfɑː.nə/ noun	مجموعه گونههای جانوری یک منطقهٔ جغرافیایی یا یک دورهٔ معین
invertebrate /mˈvɜː.tˌə.brət/ noun	بی مهره
vertebrate /'vɔ:.tˌɔ.brət/ adjective	مهره داران
barren /'bær. ^o n/ adjective	بی ثمر، عقیم، نازا
breed /bri:d/ noun	گونه، نوع، فرزند
offspring /'a:f.sprin/ noun	فرزند، زاده (محصول یا نتیجهٔ چیزی)
extinction /ɪkˈstɪŋk.ʃ an/ noun	انقراض
multiply (reproduce) / mʌl.t.j.plaɪ/ verb	تکثیر کردن (زاد و ولد)
heredity /həˈred.ə.ti/ noun	انتقال موروثي، وراثت
hormone /'hɔːr.moʊn/ noun	هورمون
specimen /'spes.ə.min/ noun	نمونه (جهت آزمایش)
food chain /fu:d.tʃeɪn/ noun	زنجیرهٔ غذایی (حلقههای زنجیرهای وابستگی غذایی همهٔ موجودات زنده به یکدیگر)
calorie /ˈkæl.ə.i/ noun	کالری (واحد سنجش مقدار انرژی حاصل از مواد غذایی)
ingestion /ɪnˈdʒes.tʃ ən/ noun	قورت دادن، مصرف
digestion /da₁'dʒes.t∫°n/ noun	هضم، گوارش
anatomy /əˈnætˌə.mi/ noun	استخوانبندى
organ /ˈɔːr.gən/ noun	عضو، اندام
intestine /ɪnˈtes.tɪn/ noun	روده
reproductive system / ri:.prəˈdʌk.tɪv.ˈsɪs.təm/ noun	سیستم تناسلی
respiration / res.pr'rer.∫ °n/ noun	تنفس، دم زنی
secretion /sıˈkriː.ʃ ³n/ noun	ترشح، تراوش، دفع
vein /veɪn/ noun	ورید، سیاهرگ (رگی که خون را از اندامها به قلب باز می گرداند)
parasite /'per.ə.saɪt/ noun	انگل (موجودات تغذیه کننده از موجوده زندهٔ دیگر، حداقل در بخشی از زندگی خود)
immunity /ɪˈmjuː.nə.tj/ noun	ایمنی، مصونیت (توانایی یک موجود زنده برای مقاومت در برابر عفونت خاص یا سم)
mammal /ˈmæm. əl/ noun	پستاندار
primate / prai.met/ noun	راستهٔ پستانداران نخستین پایه، نخستیها (مانند میمون، بوزینه و)
carnivore /ˈkɑːr.nɪ.vɔːr/ noun	گوشتخوار
herbivorous /ha: 'biv.a.as/ adjective	گیاهخوار، گیاهخواری
domesticate /dəˈmes.tɪ.keɪt/ verb	اهلی کردن، رام کردن
migrate /maɪˈgreɪt/ verb	- کوچکردن، مهاجرتکردن

fat /fæt/ adjective	فربه، چربی زیر پوست و یا اطراف ارگانهای خاص، روغن حیوانی، پیه
warm-blooded animal / wo:rm bl.d.id. en.i.məl/ adjective	حیوان خون گرم (حیواناتِ با دمای بدنیِ ثابت و فعالیتِ بدنیِ معمول در شرایط تغییر آب و هوایی)
cold-blooded animal /ˌkoʊldˈblʌd.ɪd.ˈæn.ɪ.məl/ noun	حیوان خون سرد (حیواناتِ با دمای بدنیِ متغیر و میزان فعالیتِ وابسته به درجه حرارت محیط)
predatory / pred.ə.tə:r.i/ adjective	درنده، تغذیه کننده از شکار
hibernate /ˈhaɪ.bə.neɪt/ verb	به خواب زمستانی رفتن (گیاهان و جانوران)
chimpanzee / tʃim.pæn'zi:/ noun	ميمون آدم وار، شامپانزه
herd /h3:d/ noun	گله چهار پایان
predator / pred.ə.t. <i>3</i> -/ noun	حيوان درنده
prey /preɪ/ noun	شكار، صيد، طعمه
camouflage /ˈkæm.ə.flɑːʒ/ noun	استتار، پوشش
protective camouflage /prəˈtek.tıv.ˈkæm.ə.flɑːʒ/ noun	استتار محافظتى
armor/'a:r.mə/ noun	زره، زره پوش
aquatic /əˈkwæt¸ık/ adjective	وابسته به آب، جانور یا گیاه آبزی
marine biology /məˈriːn.baɪˈɑː.lə.dʒi/ noun	زیست شناسی دریایی
coral /ˈkɔːr.əl/ noun	مرجان
crab /kræb/ noun	خرچنگ
lobster /ˈlɑːb.stə-/ noun	(گوشت) خرچنگ دریایی
scale /skeɪl/ noun	پولک یا پوستهٔ بدن جانور، فلس
shell /ʃel/ noun	پوست، صدف حلزون، کاسه یا لاک محافظ جانور (مانند کاسهٔ لاک پشت)
shrimp /ʃrɪmp/ noun	ميگو (ملخ)
frog /fra:g/ noun	قورباغه، وزغ، غوک
tadpole /ˈtæd.poʊl/ noun	بچه قورباغه
whale /weil/ noun	وال، نهنگ (بال)
tentacle /ˈtən.tə.kl/ noun	مو یا شاخک حساس جانور (مانند شاخک ماهی یا موی سبیل گربه)
ornithology /ˌɔ:r.nəˈθɑ:.lə.dʒi/ noun	مبحث پرنده شناسی
bat /bæt/ noun	خفاش، شب پره
bird /bs-:d/ noun	پرنده، مرغ، جوجه
canary /kəˈner.i/ noun	قنارى
feather /ˈfeð.ə/ noun	پر، پروبال
wing /wɪŋ/ noun	بال
flock /fla:k/ noun	گله، رمه، دستهٔ پرندگان
nest /nest/ noun	لانه، آشيانه
hatch /hætʃ/ verb	تخم گذاشتن، روی تخم نشستن، جوجه بیرون آمدن
incubation /ˌɪŋ.kjʊˈbeɪ.∫ ³n/ noun	دورهای که مرغ روی تخم میخوابد (دورهٔ نهفتگی (کمون) یک بیماری)
reptile /'rep.taɪl/ noun	حيوان خزنده
lizard /ˈlɪz.əd/ noun	مارمولک، سوسمار
turtle /'tɜ:.tJ/ noun	لاک پشت (کبوتر قمری)
insect / m.sekt/ noun	حشره، کرم ریز، کرم خوراک (مانند کرم پنیر و)
entomology / en.t.ə 'ma:.lə.dʒi/ noun	علم حشره شناسی
larva /ˈlɑːr.və/ noun	کرم، کرم حشره
worm /ws:m/ noun	کرم، مار، خزنده
insecticide /ɪnˈsek.tɪ.saɪd/ noun	حشره کش

29. CHARACTER		
Word	Definition	
artist /'a:r.t.jst/ noun	هنرمند، هنر پیشه، صنعتگر	
choreographer /ˌkɔːr.iˈɑː.grə.fə/ noun	رقص پردازی، هنر رقص، رقص مخصوصاً در تئاتر و	
critic /ˈkrɪtˌɪk/ noun	منتقد، نکوهش گر، کارشناس	
inventor /m'ven.t.g-/ noun	مخترع، جاعل	
biographer /barˈɑː.grə.fə/ noun	شرح حال نویس، زندگینامه نگار	
sculptor /ˈskʌlp.tə/ noun	مجسمه ساز، حجار، تندیس گر	
feminist / fem.i.nist/ noun	طرفدار حقوق زنان	
humanitarian /hju: mæn.r'ter.i.ən/ adjective	انسان دوستانه، بشر دوست، نوع پرست	
precursor / pri: k3:.sa/ noun	پیشرو، منادی	
disciple /drˈsaɪ.pl/ noun	شاگرد، پیرو، موافق، طرفدار	
apprentice /əˈpren.tjs/ noun	شاگرد، کارآموز	
mechanic /məˈkæn.ɪk/ noun	مکانیک	
territory /'ter.i.to:r.i/ noun	حوزهٔ کاری	
odd /aːd/ adjective	فرد غیرعادی، عجیب و غریب	
erratic /ıˈrætˌ.ık/ adjective	متلون، دمدمی مزاج، غیر معقول، سرگردان	
weird /wird/ adjective	عجيب و غريب، خارق العاده، آدم عجيب	
romantic /roo'mæn.t.jk/ adjective	خیالی، تصوری، عاشقانه	
innocent /ˈɪm.ə.s ənt/ adjective	بی گناه، معصوم، آدم ساده	
emotional /ɪˈmoʊ.∫ an. al/ adjective	عاطفي	
sentimental / sen.t.ə 'men.t.ə 'l/ adjective	احساساتی	
rigid /ˈrɪdʒ.ɪd/ adjective	سخت، سفت و محکم، جدی	
clumsy /ˈklʌm.zi/ adjective	دست و پا چلفتی، نا آزموده، بد ترکیب	
contemporary /kənˈtem.pə.rer.i/ adjective	معاصر، هم دوره	
acclaimed /əˈkleɪmd/ adjective	تحسين برانگيز	
versatile /ˈvɜ·ː.sə.təl/ adjective	دارای استعداد و ذوق، سلیس، همه کاره	
household /'haus.hould/ noun	صمیمی، اهل خانه (صفت: خانگی)	
authentic /α: 'θen.t.jk/ adjective	معتبر، موثق، قابل اعتماد	
symbolic /sɪmˈbɑː.lɪk/ adjective	نمادی، رمزی، علامتدار، کنایهای	
immortal /ɪˈmɔːr.t̪ ºl/ adjective	جاویدان، جاوید، ابدی، فنا ناپذیر	
emotive /1' mov.t.jv/ adjective	وابسته به احساسات	
classic /ˈklæs.ɪk/ adjective	کلاسیک (مطابق بهترین نمونه، پیرو سبکهای باستانی)	
nostalgia /nɑːˈstæl.dʒə/ noun	نوستالژی (تداعی خاطرات تلخ و شیرین، خاطره انگیز، احساس دلتنگی)	
30. E0	CONOMY	
Word	Definition	
subsistence level /səbˈsɪs.t onts.lev. ol/ noun	سطح معیشت	
kinship /ˈkɪn.ʃɪp/ noun	نسبت، ارتباط بین ارقام	
commodity /kəˈmɑː.də.t j/ noun	كالا، جنس، متاع	
check /tʃek/ verb	چک بانکی، حواله	
interest /'ın.trıst/ noun	بهره، سود، سهم	
withdraw /wið ˈdrɑː/ verb	بازگیری یا خالی کردن حساب بانکی	
the Great Depression /ðə.greit.di pres. an/ noun	رکود عظیم (بدترین رکود اقتصادی در تاریخ صنعتی جهان)	
officence / of hy ents/ norm	11:	

خبره و ماهر، پیچیده، درسطح بالا

affluence /ˈæf.lu.ənts/ noun

 $\textbf{sophisticated} \ / \texttt{so'fis.ti.kei.tid} / \ \textit{adjective}$

COMPLEMENTARY PART OF DEFINITION

Words and pronunciations

1. universe /ˈjuː.nɪ.vɜːs/ (n)	young /jʌŋ/ (adj)	nutritious / nu: 'trɪʃ.əs/ (adj)
heavenly body / hev. on.li. ba:.di/ (n)	botanic /bəˈtæn.ɪ.k/ (adj)	snack bar /snæk.bɑːr/ (n)
astronavigation /æs.trou næv.i gei. ʃ °n/ (n)	shoot /ʃuːt/ (v)	sunny-side up /ˈsʌn.i.saɪd.ʌp/ (phr)
nebulous /ˈneb.jʊ.ləs/ (adj)	blossom /'bla:.s °m/ (v)	over /'oʊ.və/ (prep)
Milky Way / mɪl.ki.weɪ/ (n)	wilt /wɪlt/ (v)	seasoning /ˈsiː.z ən.ɪŋ/ (n)
asteroid /ˈæs.tə.rɔɪd/ (n)	pulp /pʌlp/ (n)	grill /grɪl/ (v)
outer space / au.t.a.speis/ (n)	skin /skɪn/ (n)	simmer /'sɪm,ə/(n)
spaceship /'speis_ſip/ (n)	bush /bʊʃ/ (n)	11. trait /treɪt/ (n)
astronaut /'æs.trə.nɑ:t/ (n)	tisane /tɪˈzæn/ (n)	born /bɔ:rn/ (v)
cosmonaut /ˈkɑːz.mə.nɑːt/ (n)	6. association /əˌsoʊ.siˈeɪ.ʃ ən/ (n)	optimistic / a:p.təˈmɪs.tɪk/ (adj)
2. Antarctica /ænˈtɑːrk.tɪ.kə/ (n)	racial /ˈreɪ.ʃəl/ (adj)	joyful /ˈdʒɔɪ.f əl/ (adj)
cave /keɪv/ (n)	conduct /kənˈdʌkt/ (n)	joyous /ˈdʒɔɪ.əs/ (adj)
underground / ˌʌn.də ˈgraund/ (adj)	isolation / a.s əl.e.∫ ən/ (n)	fervent /' f3·:.v ant/ (adj) (ALSO fervid)
strait /strent/ (n)	morality /mɔːˈræl.ə.t.j/ (n)	passionate /ˈpæʃ.ə.nɪt/ (adj)
geothermal /ˌdʒiː.oʊˈθɜ·ː.məl/ (adj)	abide by (sth) /əˈbaɪd.baɪ/ (phr.v)	warmhearted / wɔ:rmˈhɑ:r.tɹd/ (adj)
geomagnetism / dʒi:.əvˈmæg.nə.tˌj.z əm/ (n)	breach /bri:tʃ/ (n)	zealous /ˈzel.əs/ (adj)
3. earth science /3:0.saiants/ (n)	rich /rɪtʃ/ (adj)	social /ˈsoʊ.ʃ əl/ (adj)
stratum /ˈstræ.əm/ (n)	wealthy /'wel.θi/ (adj)	hearty /ˈhɑːr.t j/ (adj)
decomposition / di:.ka:m.pəˈzɪʃ. ən/ (n)	clash /klæʃ/ (n)	genial /ˈdʒiː.ni. əl/ (adj)
quicksilver /ˈkwɪkˌsɪl.və/ (n)	crash /kræʃ/ (v)	earnest /ˈɜ·ː.nɪst/ (adj)
age /eɪdʒ/ (n)	disagreement / dis.əˈgriː.mənt/ (n)	genuine /ˈdʒen.ju.ɪn/ (adj)
period /'pɪr.i.əd/ (n)	7. jam /dʒæm/ (n)	frank /fræŋk/ (adj)
refrigerated /rɪˈfrɪdʒ.ə·.eɪtəd/ (adj)	carriage /ˈker.ɪdʒ/ (n)	straightforward / streit for word/ (adj)
freezing /ˈfriː.zɪŋ/ (adj)	auto /a:.tou-/ prefix	reliable /rɪˈlaɪə.bl/ (adj)
melt /melt/ (v)	car /kɑːr/ (n)	dependable /dɪˈpen.də.bl/ (adj)
end /end/ (n)	bike /baɪk/ (n)	bountiful /ˈbaʊn.t.j.f əl/ (adj)
quake /kweɪk/ (v)	emit /ɪˈmɪt/ (v)	generous /ˈdʒen.ə.əs/ (adj)
tremor / trem.o-/ (n)	maintenance /'meɪn.tɪ.nənts/ (n)	compassionate /kəmˈpæʃ. ən.ət/ (adj)
seism /ˈsaɪzm/ (n)	thoroughfare /ˈθɜː.ə.fer/ (n)	erudite /ˈer.ʊ.daɪt/ (adj)
focus /ˈfoʊ.kəs/ (n)	underground / nn.do graund/ (adj)	smart /sma:rt/ (adj)
seismic /ˈsaɪz.mɪk/ (adj)	prow /praʊ/ (n)	bright /braɪt/ (adj)
shock /ʃɑːk/ (n)	aboard /əˈbɔːrd/ (adv, prep)	many-sided / men.i sar.did/ (adj)
4. nature / 'neɪ.t∫ə⁄ (n)	aircraft /ˈer.kræft/ (n)	multi-faceted / mʌl.t.jˈfæs.ɪ.t.jd/ (adj)
biosphere /ˈbaɪ.oʊ.sfɪr/ (n)	boundary /ˈbaʊn.də·.i/ (n)	qualified /ˈkwɑː.lɪ.faɪd/ (adj)
ozonosphere /'oʊ.zoʊnos.fir/ (n)	8. factor /' fæk.tə-/ (n)	diligent /ˈdɪl.ɪ.dʒ ənt/ (adj)
toxic /ˈtɑːk.sɪk/ (adj)	extroverted / ek.strə.və:tɪd / (adj)	arduous /ˈɑːr.dʒu.əs/ (adj)
waste water /weist.'wa:.t.o-/ (n)	psychopathology /ˌsaɪ.koʊ.pəˈθɑː.lə.dʒi/ (n)	laborious /ləˈbɔːr.i.əs/ (adj)
reduce /rɪˈduːs/ (v)	mad /mæd/ (adj)	clever /ˈklev.ə/ (adj)
5. block /bla:k/ (n)	lunatic /ˈluː.nə.tˌɪk/ (n)	wise /waɪz/ (adj)
life /laɪf/ (n)	9. bowel /baʊəl/ (n)	sensible /'sent.sɪ.bl/(adj)
amphibious animal /æmˈfib.i.əs -/ (n)	spasm /'spæz. ºm/ (n)	thrifty /ˈθrɪf.ti/ (adj)
slothful /ˈsloʊθ.f əl/ (adj)	blood /blʌd/ (n)	economical /ˌiː.kəˈnɑː.mɪ.k əl/ (adj)
horde /hɔ:rd/ (n)	neurobiology /norˈaː.baɪˈaː.lə.dʒi/ (n)	curious /ˈkjʊr.i.əs/ (adj)
bunch /bantʃ/ (n)	10. grain /greɪn/ (n)	prying /pra.iŋ/ (n)
reproduce /ˌriː.prəˈduːs/ (v)	Nut /nʌt/ (n)	hasty /'heɪ.sti/ (adj)
hatch /hæt∫/ (v)	leaven /'lev. an/ (v)	rash /ræʃ/ (n)
carnivorous /kaːrˈnɪv.ə.əs/ (adj)	ferment / fo-'ment/ (v)	odd /ɑːd/ (adj)
nestle / nes.l/ (v)	beef /bi:f/ (n)	eccentric /ekˈsen.trɪk/ (adj)
men/men/(pl.n)	hamburger /ˈhæmˌbɜ:.gə/ (n)	dubious /ˈduː.bi.əs/ (adj)
social /ˈsoʊ.∫ ³l/ (adj)	starch /sta:rtʃ/ (n)	doubtful /ˈdaʊt.f əl/ (adj)

suspicious /səˈspɪ∫.əs/ (adj)	awkward /ˈɑː.kwəd/ (adj)	paper /'peɪ.pə-/ (n)	
loath /loυθ/ (adj)	uninformed / ˌʌn.ɪnˈfɔːrmd/ (adj)	fulfill /folˈfil/ (v)	
alert /əˈlɜːt/ (adj)	incapable /mˈkeɪ.pə.bl/ (adj)	meet /mi:t/ (v)	
watchful /ˈwɑːtʃ.f əl/ (adj)	unfit /ʌnˈfɪt/ (adj)	graduation exercise	
wary /'wer.i/ (adj)	untrustworthy /ˌʌnˈtrʌstˌwɜː.ði/ (adj)	/ grædʒ.u'ei.∫ ³n.'ek. sæ.saiz/ (n)	
careful /ˈker.f əl/ (adj)	unreliable / ˌʌn.rɪˈlaɪə.bl/ (adj)	term /t3::m/ (n)	
prudent /ˈpruː.d ʰnt/ (adj)	neglectful /nɪˈglekt.f əl/ (adj)	assistance /əˈsɪs.t ənts/ (n)	
discreet /dɪˈskriːt/ (adj)	impartial /ɪmˈpɑːr.∫ al/ (adj)	humanities /hju: 'mæn.ə.t jz/ (n)	
cool /kuːl/ (adj)	fair /fer/ (adj)	holiday /ˈhɑː.lɪ.deɪ/ (n)	
calm /kɑːm/ (adj)	unbiased /ʌnˈbaɪəst/ (adj)	course /kɔːrs/ (n)	
self-controlled / self.kənˈtroʊld/ (adj)	unprejudiced /ʌn.ˈpredʒ.ʊ.dɪst/ (adj)	confer /kənˈfɜ·:/ (v)	
restrained /rɪˈstreɪnd/ (adj)	12. therapy /'θer.ə.pi/ (n)	graduation certificate /- səˈtɪf.ɪ.kət/ (n)	
moody /ˈmuː.di/ (adj)	instruments / 'in.strə.mənt/ (n)	doctorate /'da:k.tə.ət/ (n)	
dejected /dɪˈdʒek.tɪd/ (adj)	medicine / med. <i>i</i> .sən/ (n)	curriculum vitae /kəˌrɪk.jʊ.ləmˈviː.taɪ/ (n)	
disappointed / dis.əˈpɔin.t.id/ (adj)	drug /drʌg/ (n)	education / ed.jv ker. f on/ (n)	
uneasy /ʌn'iː.zi/ (adj)	pill /pɪl/ (n)	work experience /wɜːkˌɪkˈspɪr.i. ants/ (n)	
care /ker/ (n)	capsule /ˈkæp.s əl/ (n)	personal information /- in.fo- mei.fo- n/ (n)	
cowardly /ˈkaʊ.ə·d.li/ (adj)	narcotic /na:r'ka:t,ɪk/ (n)	chair /tʃer/ (n)	
unpretentious / ˌʌn.prɪˈten.ʃəs/ (adj)	pain-killer / pein kil.ə/ (n)	chancellor /ˈtʃænt.s əl.ə-/ (n)	
languid /ˈlæŋ.gwɪd/ (adj)	efficacy / ef.i.kə.si/ (n)	16. construction /kənˈstrʌk.ʃ ən/ (n)	
obstinate /ˈɑːb.stə.nət/ (adj)	dental surgeon / den.t, ol. 'sə:dʒ on/ (n)	21.painting / peɪn.t.ɪŋ/ (n)	
persevering / p3::.səˈvɪr.ɪŋ/ (adj)	dietitian / dat.əˈtɪʃ. an/ (n)	sculpture /ˈskʌlp.tʃə/ (n)	
dogged /'da:.gid/ (adj)	pharmacy /ˈfɑːr.mə.si/ (n)	23.violoncello / viː.ə.lɑːnˈtʃe.loʊ/ (n)	
== * * *			
insistent /m'sis.t ant/ (adj)	ill /1/ (adj)	24.unearth /Λn' 3:θ/ (v)	
unbending /An'ben.dɪŋ/ (adj)	sick /sik/ (adj)	25.till /trl/ preposition , conjunction	
scornful /ˈskɔːrn.f əl/ (adj)	cut /kʌt/ (n)	dairy cattle / der.i. ˈkætˌl/ (pl.n)	
vainglorious /vein.ˈglɔːr.i.əs/ (adj)	wound /wu:nd/ (n)	cereal /ˈsɪr.i.əl/ (n)	
arrogant /'er.ə.g ənt/ (adj)	bleeding /ˈbliː.dɪŋ/ (adj)	glasshouse /ˈglæs.haus/ (n)	
supercilious /ˌsuː.pə-ˈsɪl.i.əs/ (adj)	handicapped /ˈhæn.dɪ.kæpt/ (adj)	hotbed /'ha:t.bed/ (n)	
governing /ˈgʌv.ənɪŋ/ (adj)	malformation / mæl.fæ'mei.∫°n/(n)	pesticide /'pes.t.p.said/ (n)	
overbearing /ˌoʊ.vəˈber.ɪŋ/ (adj)	misshapen / mɪsˈʃeɪ.p ən/ (adj)	soil /sɔɪl/ noun	
tyrannical /tɪˈræn.ɪ.k əl/ (adj)	fatal /' feɪ.t¸ əl/ (adj)	fertilizer /ˈfɜ·ː.təl.aɪ.zər/ (n)	
daring /'der.ɪŋ/ (adj)	flu /flu:/ (n)	hen house /hen.haus/ (n)	
audacious /ɑːˈdeɪ.ʃəs/ (adj)	germ /dʒэ·:m/ (n)	seed /si:d/ (v)	
avish /ˈlæv.ɪʃ/ (adj)	bacteria /bækˈtɪr.i.ə/ (n)	26.snow slide /snov.slaid/ (n)	
quarrelsome /ˈkwɔːr. əl.səm/ (adj)	high-blood pressure /haɪ.blʌd.ˈpreʃ.ə⁄/ (n)	snowstorm /'snov.sta:rm/ (n)	
belligerent /bəˈlɪdʒ.ə·.ənt/ (adj)	13. sum total /sam. 'tou.t, 'al/ (n)	calamity /kəˈlæm.ə.t.j/ (n)	
fierce /firs/ (adj)	oblong /ˈaː.blaːŋ/ (n)	catastrophe /kəˈtæs.trə.fi/ (n)	
unfriendly /ʌnˈfrend.li/ (adj)	oval /ˈoʊ.v əl/ (adj)	storm/'sto:rm/(n)	
rritating /ˈɪr.ɪ.teɪ.tˌɪŋ/ (adj)	14. high technology /haɪ.tekˈnɑː.lə.dʒi/ (n)	mist /mɪst/ (n)	
annoying /əˈnɔɪ.ɪŋ/ (adj)	advanced /ədˈvæntst/ (adj)	predict /prɪˈdɪkt/ (v)	
ill-humoured /ɪl.hju:.mɜ·:d/ (adj)	furnace /ˈfɜ·ː.nɪs/ (n)	28.amphibious animal /æmˈfib.i.əs -/ (n)	
unrelenting /ˌʌn.rɪˈlen.tˌɪŋ/ (adj)	deoxyribonucleic acid	reproduce /ˌriː.prəˈduːs/ (v)	
heedless /ˈhiːd.ləs/ (adj)	/diˈɑːksi.ˌraɪ.boʊ.nuː.kliː.ɪkˈæs.ɪd/ (n)		
egotistic /ˌiː.goʊˈtɪs.tɪ.k/ (adj)	15. primary /ˈpraɪ.məi/ (adj)		
rapacious /rəˈpeɪ.ʃəs/ (adj)	lodging /ˈlɑː.dʒɪŋ/ (n)	The kites always rise with adverse winds	
greedy /ˈgriː.di/ (adj)	student /'stu:.d ont/ (n)	Good luck!	
miserly /ˈmaɪ.zəli/ (adj)	academic performance		
insincere / ˌɪn.sɪnˈsɪr/ (adj)	/ˌæk.əˈdem.ɪk.pə-ˈfɔːr.mənts/ (n)	Mainly accomplished by:	
silly /ˈsɪl.i/ (adj)	credit hour /'kred.it.aur/ (n)	Wikipedia Cambridge Advanced Learner's Dictionary	
stupid /ˈstuː.pɪd/ (adj)	score /skɔːr/ (n)	Cambridge Advanced Learner's Dictionary (3rd Edition)	